Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/

Vol. 55, No. 2: Issue 111, Autumn & Winter 2023-2024, p.117-154

Online ISSN: 2538-4198

Print ISSN: 2008-9120

Receive Date: 31-10-2021 Revise Date: 22-05-2023 Accept Date: 31-07-2023

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2023.67775.1008

Article type: Original

A Comprehensive Model of Glorifying the Holy Prophet and Ahl al-Bayt (P.B.U.T.) based on the Analysis of the Content of Imam Sajjad's (P.B.U.H.) ʿArafah Prayer

Dr. Bibisadat Razi Bahabadi

Associate Professor, Alzahra University

Dr. Mohammad Etratdoost (corresponding author)

Assistant Professor, Shahid Rajaee Teacher Training University

Email: Etratdoost@sru.ac.ir

Faeze Mohammadi

MA graduate, Alzahra University

Abstract

One of the most frequently repeated sentences in the narrated supplications, especially the supplications quoted from Imam Sajjad (P.B.U.H.) in *al-Ṣaḥīfa al-Sajjādiyya*, is the invocation of *ṣalawāt* (blessings upon Muhammad and his family (P.B.U.T.)). Various reasons have been expressed for this, the most important of which is that it is an attempt to explain the true position of Ahl al-Bayt (P.B.U.T.) in the Islamic society. Nevertheless, it is still a question how and with what strategies Imam Sajjad (P.B.U.H.) did this, and what expressions he did use to introduce them in *ṣalawāt*, and finally what a model he offered for glorifying this family and introducing their high status and dignity. In this article, we try to qualitatively and descriptively analyze the set of themes expressed about this issue, and finally infer a comprehensive model of glorifying the Holy Prophet and Ahl al-Bayt (P.B.U.T.). The research findings show that these contents can be classified under five categories with many details, which are as follows: the definition of glorification, features to be glorified, characteristics of desirable glorification, effects of glorification, and introduction of glorifiers.

Keywords: Imam Sajjad, ʿArafah prayer, *al-Ṣaḥīfa al-Sajjādiyya*, glorification, *ṣalawāt*, Content analysis method

علوم قرآن و حدیث
Quran and Hadith Studies
سال ۵۵ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۱۱ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ص ۱۵۴ -۱۱۷
HomePage:https://jquran.um.ac.ir/
شاپا چاپی ۹۱۲۰-۲۰۰۸
شاپا الکترونیکی ۴۱۹۸-۲۵۳۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۹
نوع مقاله: پژوهشی
DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2023.67775.1008

الگوی جامع تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) مبتنی بر تحلیل محتوای دعای عرفهٔ امام سجاد(ع)

دکتر بی بی سادات رضی بهابادی
دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهرا، تهران، ایران
دکتر محمد عترت دوست(نویسنده مسئول)
استادیار گروه الهیات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران
Email: Etratdoost@sru.ac.ir
فائزه محمدی
کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران

چکیده

یکی از جملات پرتکرار در ادعیهٔ مأثوره، به‌ویژه ادعیهٔ منقول از امام سجاد(ع) در صحیفهٔ سجادیه، ذکر صلوات بر محمد(ص) و آل محمد(ع) است. در تحلیل چرایی این مطلب نیز نظرات مختلفی بیان شده است که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها تلاش برای تبیین جایگاه حقیقی اهل‌بیت(ع) در جامعهٔ اسلامی بوده است. بااین‌وجود، همچنان این مسئله مطرح است که امام سجاد(ع) چگونه و با چه راهکارهایی این اقدام را انجام داده و در هنگام ذکر صلوات بر محمد(ص) و آل محمد(ع) از چه عباراتی برای معرفی ایشان استفاده کرده و درنهایت، چه الگویی را برای تجلیل از این خاندان و آگاهی از مقام و منزلت والای آنان ترسیم کرده است.

در این نوشتار، با روش تحلیلی می‌کوشیم مجموعه مضامین بیان‌شده در خصوص این مقوله را به‌صورت کیفی و توصیفی، تحلیل و درنهایت، الگوی جامع تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل‌بیت(ع) را استخراج کنیم. نتایج و یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که مجموعهٔ این مضامین را می‌توان ذیل پنج دسته با جزئیات متعدد طبقه‌بندی کرد که عبارت‌اند از: چیستی تجلیل، ویژگی‌های مورد تجلیل، ویژگی‌های تجلیل مطلوب، آثار تجلیل و معرفی تجلیل‌کنندگان.

واژگان کلیدی: امام سجاد(ع)، دعای عرفه، صحیفهٔ سجادیه، تجلیل، صلوات، روش تحلیل محتوا.

مقدمه

تبیین معارف حقه و مبارزه علیه باطل در قالب دعا، یکی از روش‌های امام چهارم، حضرت زین‌العابدین(ع) در دوران ارعاب و اختناق امویان بود. هنگامی که جامعه دچار انحراف شده و روحیهٔ رفاه‌طلبی و دنیازدگی بر آن غلبه یافته و فساد سیاسی و اخلاقی و اجتماعی آن را در محاصره قرار داده بود، امام سجاد(ع) توانست از دعا برای تبیین بخشی از عقاید مذهب شیعه استفاده کند. از میان ادعیهٔ منقول از اهل بیت، دعای عرفه ازجمله دعاهایی است که با بیانی رسا و ژرف، مبانی و مسائل مهم دینی را در دل خود جای داده است.

اگرچه صحیفهٔ سجادیه و برخی ادعیهٔ خاص آن، مانند دعای مکارم الأخلاق یا عرفه، مدِّنظر بسیاری از دانشمندان و مردم بوده است و شروح فراوانی بر آن نگاشته‌اند، اما به نظر می‌رسد هنوز لایه‌های عمیق این معارف، به‌صورت دقیق و کامل تبیین نشده است. آنچه امروزه می‌تواند راهگشای فهم بسیاری از متون روایی و دینی باشد، تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از روش‌های علمی و پژوهشی دقیق است. بر این اساس، در این نوشتار می‌کوشیم با استفاده از روش تحلیل محتوا و کاربست آن در مطالعات دینی که از رویکردهای نوآورانه در حوزهٔ فهم نصوص دینی است، با استفاده از روش تحقیقی میان‌رشته‌ای و بدون درنظرگرفتن پیش‌فرض‌های ذهنی، به تحلیل متن دعای عرفهٔ امام سجاد(ع) بپردازیم و بخشی از مهم‌ترین مضامین خاص این دعای شریف را تحلیل و تفسیر کنیم. بخش اعظمی از این دعا، اختصاص به تجلیل از رسول خدا(ص) و معصومان(ع) و درود بر مقام شامخ ایشان دارد. لذا، باتوجه‌به اهمیت بسیار این مسئله، به‌منظور شناخت بیشتر جایگاه ایشان، این نوشتار می‌کوشد با استفاده از روش تحلیل محتوا و به‌کارگرفتن رویکرد مضمونی، نقطهٔ تمرکزها و موضوعات اصلی و فرعی این مقوله را استخراج و درنهایت، مقام و منزلت آن بزرگواران را در آن شرایط خاص که همهٔ تلاش دشمن برای منزوی‌ساختن آل محمد بود، از منظر دعای عرفه تبیین کند.

لازم به ذکر است که راجع به ادعیهٔ صحیفهٔ سجادیه و به‌ویژه دعای عرفهٔ امام سجاد(ع) پژوهش‌های متعددی انجام شده، ولی عمدهٔ آن‌ها به شرح و تقریر دعا و اعتبارسنجی سندی آن پرداخته و کمتر موضوع خاصی در این دعا بررسی شده است. برای نمونه، قادر فاضلی در کتاب عرفان عرفه، صرفاً به ترجمه و شرح دعای عرفهٔ امام حسین(ع) و امام سجاد(ع) پرداخته و برخی مسائل را در این دو دعا تشریح کرده است.[1] نرگس کریم‌زاده نیز در کتاب مستندات قرآنی دعای

---

۱. نک: فاضلی، عرفان عرفه.

عرفۀ امام سجاد(ع)، همان‌طور که از نامش پیداست به بررسی سندهای قرآنی این دعا پرداخته است.[۲]

حیدر محلاتی نیز در مقالۀ «بررسی تطبیقی دعای عرفۀ امام حسین(ع) و امام سجاد(ع)»، صرفاً به مطالعۀ تطبیقی شیوه‌های نیایش در این دو دعا از نگاه فنی و ادبی پرداخته و کمتر به محتوا توجه کرده است.[۳] نگارندگان این نوشتار نیز در پژوهش مستقل دیگری به مطالعۀ مفهوم امام و تبیین وظایف مطرح‌شده برای شیعیان در رابطه با ائمه اطهار(ع) مبتنی بر تحلیل محتوای دعای عرفه امام سجاد(ع) پرداخته و برخی از ویژگی‌های مطرح‌شده برای امام را از منظر این متن بررسی کرده‌اند.[٤]

در خصوص علت و چرایی استفاده از روش تحلیل محتوا برای این پژوهش نیز باید گفت که این روش متن‌محور، بیش از هر روش تحقیق دیگری می‌تواند در حوزۀ فهم متون و نصوص، اطلاعات دقیق‌تری در اختیار پژوهشگر قرار دهد؛ چراکه صرفاً بر محتوای متن تأکید و قابلیت استخراج مضامین متعدد از متن و طبقه‌بندی آن‌ها را دارد.[۵] «باردن» دربارۀ این روش می‌نویسد: «تحلیل محتوا عبارت است از: مجموعۀ فنون تحلیل ارتباط که برای توصیف محتوای پیام و روش‌های منظم عینی به کار می‌رود.»[٦] «هولستی» نیز روش تحلیل محتوا را فنی برای یافتن نتایج پژوهش از راه تعیین عینی و منتظم ویژگی‌های شخصی پیام‌ها می‌داند. او بر این باور است که این تعریف، سه معیار را به هم پیوند می‌دهد: اینکه روش تحلیل محتوا باید عینی و منتظم باشد و اگر قرار است از بازیافت داده‌ها، فهرست‌بندی یا اقدام‌های مشابه متمایز شود، باید پشتوانۀ نظری داشته باشد.[۷]

بر این اساس می‌توان گفت که روش تحلیل محتوا، یکی از روش‌های مناسب برای تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌هاست. البته لازم به ذکر است که این روش تحقیق میان‌رشته‌ای، به‌صورت ویژه برای تحلیل نصوص دینی و با رعایت ملاحظات خاص این نصوص، بومی‌سازی شده و تکنیک‌های خاصی برای آن در نظر گرفته شده است که در این نوشتار بخشی از آن‌ها ارائه

۲. نک: کریم‌زاده، «مستندات قرآنی دعای عرفۀ امام سجاد(ع)».
۳. نک: محلاتی، «بررسی تطبیقی دعای عرفۀ امام حسین(ع) و امام سجاد(ع)»، ۱۰٦.
٤. نک: عترت‌دوست و همکاران، «امام‌شناسی مبتنی بر تحلیل محتوای دعای عرفۀ امام سجاد(ع)»، ۱۳۸تا۱٦۹.
۵. کریپندورف، مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا، ۲۵.
٦. باردن، تحلیل محتوا، ۳۸.
۷. هولستی، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ۳۸.

می‌شود.[۸]

وجه نوآوری این نوشتار، اجرای روش تحلیل محتوا با رویکرد تحلیل مضمونی و نیز مطالعهٔ تحلیلی‌توصیفیِ مقوله‌ای خاص در دعای عرفه است. افزون بر اینکه از رهگذر تحلیل نتایج و یافته‌های تحقیق، کوشیده است تا الگوی جامع تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) را در ابعاد مختلف مثل چگونگی، چرایی، آثار و موارد، احصا و ترسیم کند.

۱. اعتبارسنجی دعای عرفهٔ امام سجاد(ع)

صحیفهٔ سجادیه، مشهور به «زبور آل محمد» و «انجیل اهل بیت»،[۹] ازجمله اولین کتاب‌هایی است که در تاریخ صدر اسلام تدوین شده و به‌سبب داشتن مضامین بلند و همچنین انتسابش به امام سجاد(ع)، از شهرت و اعتبار به‌سزایی برخوردار است. اکثریت دانشمندان اسلامی که صحیفهٔ سجادیه را مطالعه کرده‌اند، بدین مطلب اعتراف دارند که مضامین این دعاها به‌قدری عالی است که صدور آن از غیرامام معصوم امکان‌پذیر نیست.[۱۰] صاحب‌جواهر پس از ارائهٔ اسناد و منابع متعدد برای ادعیهٔ صحیفهٔ سجادیه و نقل اقوال عالمان، درنهایت، در خصوص این کتاب شریف می‌نویسد: «وَ فی الصَّحیفَة المَعلُوم اَنَّهَا مِن سَجّاد(ع)... .»[۱۱]

در کتاب «اعیان الشیعة» از عالم بزرگ، سیدمحسن امین عاملی نقل شده است که: «بلاغت الفاظ صحیفه و فصاحتش که هیچ‌کس نمی‌تواند بر آن پیشی بگیرد و علوّ مضمونش و آنچه در آن از انواع خضوع برای خداوند متعال و ثنا بر ذات مقدسش و روش‌های شگفت‌انگیز در طلب عفو، کرم و توسل به اوست، برترین شاهد بر صحت نسبتش به آن امام بزرگوار است و نشان می‌دهد که این درّ گران‌بها از آن اقیانوس و این گوهر از آن معدن و این میوه از آن درخت برومند است. اضافه بر این، چنان شهرتی دارد که جای تردید باقی نمی‌گذارد.»[۱۲]

علامه مرتضی زبیدی، سلسله سند دعای عرفهٔ امام سجاد(ع) را در کتاب «اتحاف السادة المتّقین» به‌تفصیل نقل و صدور آن از امام سجاد(ع) اثبات کرده است. این دعا از دو نفر به نام‌های عمربن‌احمدبن‌عقیل حسینی و محی‌الدین نورالحق‌بن‌عبداللّه و هر دو از محمدطاهر کورانی روایت شده است: بدین صورت که حضرت هادی(ع) از پدرشان، حضرت جواد(ع) و ایشان از

۸. نک: عترت‌دوست و همکاران، «آشنایی با روش تحلیل محتوای نصوص دینی»، ۳۸تا۵۲.
۹. نک: ابن‌طاووس، اقبال الأعمال الحسنه، ۷۶.
۱۰. نک: مکارم شیرازی، عرفان اسلامی، ٤١٤تا٤٣٧.
۱۱. صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۱۵۸.
۱۲. امین عاملی، البحر الزخار، ٦٣٨/١.

پدرشان، حضرت رضا(ع) و ایشان از پدرشان، حضرت کاظم(ع) و ایشان از پدرشان، حضرت صادق(ع) و ایشان نیز از پدرشان، حضرت باقر(ع) نقل کرده‌اند.[۱۳]

لازم به ذکر است که منبع نقل این دعا از دعای عرفهٔ امام حسین(ع) قدیمی‌تر است. اولین منبع نقل دعای امام حسین(ع)، کتاب الإقبال الأعمال از سیدبن‌طاووس، زیسته در قرن هفتم است که در آن هیچ مأخذی برای اصل دعا بیان نشده و صرفاً نوشته شده است: «و من دعوات المشرفه فی یوم العرفة دعاء مولانا الحسین‌بن‌علی صلوات الله علیه: الحمدلله الذی لیس لقضائه دافع...»[۱۴] مصدر دیگر این دعا نیز کتاب البلد الامین است که از دو راوی به نام‌های بشر و بشیر ذکر کرده و نوشته است: «قَالَ بِشْرٌ وَ بَشِیرٌ فَلَمْ یکنْ لَهُ جهْدٌ إِلَّا قَوْلُهُ یا رَبِّ یا رَبِّ بَعْدَ هَذَا الدُّعَاءِ... .»[۱۵]

۲. تحلیل محتوای کمّی دعای عرفهٔ امام سجاد(ع)

هدف از اجرای روش تحلیل محتوا این است که هریک از پارامترهای متن؛ ازجمله موضوعات اصلی یا فرعی، در صورت نیاز، به‌طور جداگانه بررسی شده و بر اساس اطلاعات آماری حاصل از تحلیل محتوا، میزان فراوانی هرکدام استخراج شده تا درنهایت، پربسامدترین و مهم‌ترین آن‌ها شناسایی و دستیابی به پیام اصلی متن آسان شود. تحلیل‌های کمّی، راه ورود به تحلیل‌های کیفی را هموار می‌سازند و درحقیقت نشان می‌دهند محقق باید بر اساس چه مبنایی به تحلیل‌های کیفی بپردازد. اولین مرحلهٔ عملی در اجرای روش تحلیل محتوا نیز ترسیم جداول است. از این رهگذر، انواع تقطیع عبارات و گونه‌های موضوعات اصلی و فرعی به‌نحو نظام‌مندی هویدا می‌شود.[۱۶]

در این بخش، هریک از موضوعات اصلی و فرعی متن، احصا شده و پس از بررسی و به‌دست‌آوردن اطلاعات آماری حاصل از تحلیل محتوای کمی، میزان فراوانی هرکدام از پارامترهای ذکرشده استخراج می‌شود. سپس مواردی که درصد فراوانیِ بیشتری و اهمیت بیشتری نسبت به باقی موارد دارند، شناسایی و از بطن این فراوانی‌ها، پیام اصلی متن به دست می‌آید و به ذهن مخاطب صادر می‌شود. در این قسمت برای نمونه، بخش کوچکی از جدول تحلیل محتوای دعای عرفهٔ امام سجاد(ع) درج شده است که بیشتر با رویکرد تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل

۱۳. مرتضی زبیدی، تاج العروس، ٦٤٣/٤.

١٤. ابن‌طاووس، اقبال الأعمال، ٧٤/٢.

۱۵. کفعمی، البلد الأمین و الدرع الحصین، ۲۵۸.

١٦. نک: عترت‌دوست، «آشنایی با روش تحلیل محتوای نصوص دینی»، ۳۸تا٥٢.

بیت(ص) است:[۱۷]

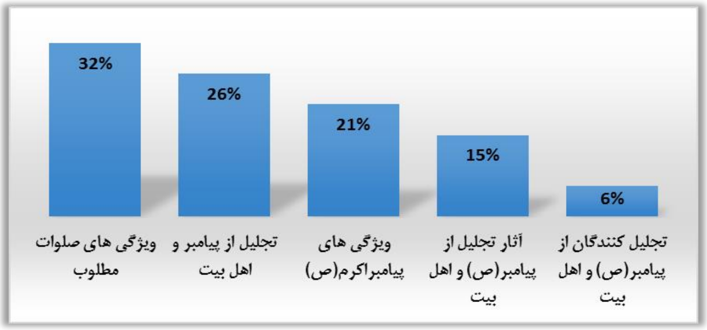
جدول ۱: بخشی از تحلیل محتوای دعای عرفهٔ امام سجاد(ع)

ردیف	واحد متن	موضوع اصلی	موضوعات فرعی	کد
R59	رَبّ صَلّ عَلَی مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ؛ پروردگارا، بر محمد و آل محمد درود فرست	تجلیل از پیامبر(ص) و اهل بیت	تجلیل از پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) به‌سبب صلوات بر آنان	S1
			لزوم همراهی تجلیل از پیامبر(ص) با تجلیل از اهل بیت(ع)	S2
			بیان تأثیر صلوات بر قبول‌شدن دعا	S3
R60	الْمُنْتَجَب الْمُصْطَفَی؛ آن پیامبر برگزیده اختیار شده	ویژگی پیامبر(ص)	پیامبر(ص)، فرد برگزیدهٔ الهی است.	S4
			پیامبر(ص)، برگزیده‌شده از میان تمام انسان‌ها و حتی پیامبران است.	S5
			انتخاب پیامبر(ص) توسط خدا صورت گرفته است.	S6
R67	صَلَاةً زَاکِیَةً لَا تَکُونُ صَلَاةٌ أَزْکَی مِنْهَا؛ درودی پاک و پیراسته که درودی پاک و پیراسته از آن نباشد،	ویژگی‌های صلوات مطلوب	صلوات بر پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) باید پاک و خالص باشد.	S19
R72	وَ صَلّ عَلَیْهِ صَلَاةً تُرْضِیکَ وَ تَزِیدُ عَلَی رِضَاکَ لَهُ؛ و بر او درود	آثار تجلیل از پیامبر و اهل بیت	صلوات موجب خشنودی بی‌اندازه خدا	S26
			جایگاه رفیع پیامبر(ص) و اهل	S27

۱۷. (برای مشاهدهٔ جدول کامل نک: محمدی، «تحلیل محتوای دعای عرفهٔ صحیفهٔ سجادیه»، فصل دوم.)

ردیف	واحد متن	موضوع اصلی	موضوعات فرعی	کد
	فرست، درودی که تو را خشنود کند و بیش ازاندازه‌ای باشد که برای او می‌پسندیدی.		بیت(ع) نزد خداوند	
			خداوند فرستادن صلوات بر پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) را دوست دارد.	S28
R79	صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ؛ درودی که درودهای فرشتگان و پیامبران و رسولان و فرمان‌برانت را هم فرا گیرد.	تجلیل‌کنندگان از پیامبر و اهل بیت	فرشتگان، انبیا، رسولان و اهل طاعت هم بر پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) ایشان درود می‌فرستند.	S40
			جایگاه پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)از جایگاه دیگر پیامبران و رسولان بالاتر است.	S41
			صلوات، نشان‌دهندۀ شناخت انبیا و اولیا از جایگاه بالای پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) است	S42
			تفاوت صلوات فرشتگان، پیامبران و دیگر بندگان	S43

پس از ترسیم جدول تحلیل محتوای کمّی، موضوعات اصلی و فرعی بررسی شده و میزان فراوانی و درصد هریک از آن‌ها استخراج شده و سپس به‌صورت نمودارهایی ترسیم شده است. ازآنجاکه در این نوشتار صرفاً به مقولۀ تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) می‌پردازیم، لذا در ادامه به استخراج موضوعات اصلی این بخش پرداخته شد که اهمّ آن‌ها بر اساس بیشترین و کمترین فراوانی در نمودار ذیل درج شده است:



نمودار ۱: سنجش فراوانی موضوعات اصلی تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع)

در ادامه، به دسته‌بندی مضامین حاصل از جدول می‌پردازیم و از رهگذر تحلیل کیفی حاصل از آن‌ها، مقولهٔ مدِّنظر را به‌صورت کیفی و توصیفی، تحلیل و بازخوانی می‌کنیم تا درنهایت بتوانیم الگوی جامع تبیین‌شده توسط امام سجاد(ع) را ترسیم کنیم.

۳. تحلیل محتوای کیفی مقولهٔ تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت

در این بخش، به بررسی و تحلیل کیفی مضامینی پرداخته می‌شود که در بخش تجلیل، بیشترین بسامد و فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. طبق الگویی که حضرت سجاد(ع) ترسیم کرده‌اند، موضوعات اصلی این بخش شامل مواردی؛ همچون تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع)، ویژگی‌های پیامبر اکرم(ص)، ویژگی‌های صلوات مطلوب، آثار تجلیل از این بزرگواران و نام‌بردن از تجلیل‌کنندگان است که در ادامه، تحلیل و بررسی هرکدام به‌صورت جداگانه خواهد آمد.

۳. ۱. چیستی تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع)

امام سجاد(ع) در دعای عرفهٔ خود تلاش بلیغی برای تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) داشته و دائم با ذکر صلوات، سعی کرده‌اند این تعظیم و تجلیل را به مردم نشان دهند (کد S1). فراوانی این بخش از مضامین در دعای عرفه بسیار است، لذا این سؤال مطرح می‌شود که اساساً مفهوم تجلیل و درود فرستادن بر پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) چیست و این عمل، چه ماهیتی دارد؟

در پاسخ بدین سؤال باید توجه داشت که واژهٔ صلوات از ریشهٔ «صل» در لغت، به‌معنای تعظیم است.[۱۸] حرف «الف» در کلمهٔ «صلاة» در جمع آن یعنی «الصلوات»، بدل از «واو» است و چنان‌که در مفردات آمده است، «صلاة»؛ یعنی تبریک و تمجید.[۱۹] همچنین گفته شده است که رکوع، سجود، دعا، استغفار و صلوات بر پیامبر(ص)، به‌معنای رحمت و حسن ثنای ایشان است.[۲۰]

خداوند متعال نیز در آیهٔ ۵۶ سورهٔ احزاب بر این نکته تأکید کرده است. در خصوص این آیه گفته‌اند: صلواتی که از سوی ملائکه است، به‌معنای درود و استغفار است و صلواتی که ازسوی

۱۸. ابن‌منظور، لسان العرب، ۴۶۴/۱۴.
۱۹. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۴۹۰.
۲۰. فراهیدی، العین، ۱۵۳/۷؛ ابن‌اثیر، النهایة، ۵۰/۳.

خداوند است، به‌معنای رحمت است.[۲۱]

علامه طباطبایی نیز در تأیید همین عبارت، صلاة را در اصل، به‌معنای انعطاف و رحمت می‌داند؛ یعنی صلاة خدا بر پیامبر(ص)، به‌معنای انعطاف او به‌وسیلهٔ رحمتش به وی است. همچنین صلاة ملائکه بر رسول خدا(ص)، انعطاف ایشان است به اینکه او را تزکیه و برایش استغفار کنند و صلاة مؤمنان بر او، انعطاف ایشان است به‌وسیلهٔ درخواست رحمت برای او.[۲۲] لذا همان‌طور که ذکر شد در این بخش از دعا، تجلیل مکرر از پیامبر(ص) با ذکر صلوات، به‌معنای درخواست رحمت و تزکیهٔ بیشتر برای آن مقام شامخ است که نشان می‌دهد: اولاً، آن افراد مورد رحمت خاصهٔ خداوند متعال هستند و ثانیاً، به‌صورت دائم نیز این رحمت و انعطاف بر آنان جاری است و مقامشان به‌صورت دائمی در حال ارتقاست.

البته بزرگداشت ایشان، تنها به صلوات منتهی نشده و حضرت زین‌العابدین(ع) با عباراتی همچون درخواست رحمت و برکت الهی از رسول خدا(ص) نیز تجلیل کرده‌اند، اما بیشترین آن‌ها اختصاص به صلوات دارد. عباراتی که به‌طور خاص به تجلیل از پیامبر گرامی اسلام(ص) پرداخته، در ادامه به‌تفصیل بیان شده است.

۳. ۱. ۱. برترین درودها و تحیات

ازجمله عبارات خاص امام سجاد در مقام بیان تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) ایشان، عبارت «أَفْضَلَ صَلَوَاتِکَ»؛ یعنی شریف‌ترین و باعظمت‌ترین درودها و تحیات است که گفته شده ازنظرِ کمّی و نیز کیفی بیانگر بالاترین و والاترین تجلیل‌ها و درودهاست.[۲۳]این عبارت، درحقیقت عنوان می‌کند که برترین درودها و تجلیل‌های یک انسان مسلمان می‌بایست بر پیامبر(ص) و اهل بیت او باشد (کدS9)؛ چراکه مقام پیامبر(ص) آن‌قدر والاست که آفریدگار هستی و تمام فرشتگانی که تدبیر این جهان به فرمان خدا برعهدهٔ آن‌هاست، بر او درود می‌فرستند.[۲٤] خداوند متعال نیز بر کسانی صلوات می‌فرستد که از آن‌ها راضی است، به‌گونه‌ای که مستحق دریافت اوصاف محموده در دنیا هستند و در آخرت شایستهٔ دریافت اجر و پاداش باشند. پس معنای صلوات بر پیامبر(ص)، تعظیم ایشان در دنیا به‌وسیلهٔ بالابردن مقام و ابقای شریعت

---

۲۱. ابن‌منظور، لسان العرب، ۴۶۵/۱۴.

۲۲. طباطبایی، المیزان، ۳۳۸/۱۶.

۲۳. مدنی، ریاض السالکین، ۳٦۰/٦.

۲٤. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ٤۱٦/۱۷.

ایشان و در آخرت، بالابردن درجات حضرت است.[۲۵]

البته صلوات مراتبی دارد و آن صلواتی کامل است و در مرتبه‌ای بالاتر قرار دارد که درود بر ائمهٔ اطهار(ع) را نیز شامل شود. دراین‌باره، روایتی از رسول خدا(ص) نقل شده است که ایشان فرمودند: صلوات ابتر و ناقص صلواتی است که ذکر آل محمد در آن نباشد. طبق این حدیث، ابن‌حجر هیثمی، عالم بزرگ اهل‌سنت نقل کرده است که پیامبر اکرم(ص) در برابر مسلمانان فرموده‌اند: بر من صلوات ابتر و ناقص نفرستید: «لاتصلوا علی الصلاة البتراء فقالوا: و ما الصلوة البتراء قال: تقولون: اللهم صل‌علی‌محمدوتمسکون، بل قولوا: اللهم صل‌علی‌محمدوآل‌محمد.»[۲۶]

در روایت دیگری نیز که کَعب‌بن‌عُجرَه نقل کرده است، ذکر می‌شود که عبدالرحمن‌بن‌ابی‌لیلی از کعب نقل می‌کند که کعب به او گفت: آیا می‌خواهی هدیه‌ای به تو بدهم که آن را از پیامبر(ص) شنیده‌ام؟ عرض کردم: آری، به من هدیه بده. وی گفت: به پیامبر(ص) عرض کردیم بر شما اهل بیت چگونه درود بفرستیم، درحالی‌که از کیفیت دادن سلام آگاهیم. پیامبر اسلام(ص) فرمودند، بگویید: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّد وَ عَلی آلِ مُحَمَّد، کَما صَلَّیْتَ عَلی إبْراهیمَ وَ عَلی آلِ إبْراهیمَ إنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ، اللّهُمَّ بارِکْ عَلی مُحَمَّد وَ عَلی آلِ مُحَمَّد کَما بارَکْتَ عَلی إبْراهیمَ وَ آلِ إبْراهیمَ إنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ.»[۲۷]

بر پایهٔ گزارش عمار ساباطی، شخصی نزد امام صادق(ع) به‌گونه‌ای صلوات فرستاد که پنج تن را در برمی‌گرفت. آن حضرت، این شیوهٔ درودفرستادن را ویژهٔ اصحاب کساء شمرد و او را به فرستادن صلوات فراگیر سفارش فرمود: «یَا هَذَا لَقَدْ ضَیَّقْتَ عَلَیْنَا أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ أَهْلَ الْبَیْتِ خَمْسَةٌ أَصْحَابُ الْکِسَاءِ فَقَالَ الرَّجُلُ کَیْفَ أَقُولُ قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَنَکُونَ نَحْنُ وَ شِیعَتُنَا قَدْ دَخَلْنَا فِیهِ.»[۲۸]

البته درودها و صلوات‌های متفاوتی در روایات ذکر شده‌اند که برای هرکدام نیز اثر یا آثار متفاوتی بیان شده است. برای نمونه، رسول‌الله(ص) می‌فرمایند: «مَنْ صَلَّی عَلَیَّ وَ لَمْ یُصَلِّ عَلَی آلِی لَمْ یَجِدْ رِیحَ الْجَنَّةِ وَ إِنَّ رِیحَهَا لَتُوجَدُ مِنْ مَسِیرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَام»؛[۲۹] هرکس بر من درود فرستد و بر آل من درود نفرستد، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند و همانا بوی بهشت با فاصلهٔ پانصد سال

۲۵. مدنی، ریاض السالکین، ۴۲۰/۱.
۲۶. ابن‌حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، ۴۳۰/۲.
۲۷. بخاری، صحیح البخاری، ۱۴۶/۴.
۲۸. ابن‌بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ۱۵۸.
۲۹. ابن‌بابویه، الأمالی، ۲۰۰.

استشمام‌شدنی است. همچنین از ابوحمزه روایت شده که از امام جعفر صادق(ع) پرسید: چگونه صلوات فرستم بر محمد و آل محمد؟ فرمود که چنین بگویید: «تَقُولُونَ صَلَوَاتُ اَللَّهِ وَ صَلَوَاتُ مَلاَئِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَلسَّلاَمُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اَللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.»[۳۰] عرض کردم، چه خواهد بود ثواب آن؟ فرمودند: به خدا قسم از گناهان بیرون می‌آید، مانند روزی که از مادر متولد شده است. در کتاب مصباح نیز از حضرت صادق(ع) روایت شده است، هرکس بعد از نماز ظهر بگوید: «اَللَّهُمَّ اِجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلاَئِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ ذَنْبٌ سَنَةً»؛[۳۱] تا یک سال هیچ گناه بر او نوشته نمی‌شود.

۳. ۱. ۲. کامل‌ترین خیرات و برکات

از دیگر مصادیق تجلیل و درود بر پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) در کلام امام سجاد، اهدای کامل‌ترین خیر و برکات بر ایشان است. آن حضرت در ادامهٔ تجلیل‌ها و صلوات‌های خود بر این خاندان نورانی می‌فرمایند که: خدایا، کامل‌ترین و تام‌ترین خیر و برکات خودت را نیز بر این خاندان نازل فرما: «وَ بَارِكْ عَلَيْهِ أَتَمّ بَرَكَاتِكَ.» در توضیح این نوع از تجلیل و دورد نیز باید گفت که واژهٔ برکت در اصل از مادهٔ «بَرْک»، به‌معنای سینهٔ شتر گرفته شده است؛ یعنی شتر سینهٔ خود را به زمین زد.[۳۲] همچنین برای آن معانی دیگری نیز ذکر کرده‌اند؛ ازجمله سعادت، نمو و فراوانی، فضل، فیض، خیر و زیادت به‌صورت مادی یا معنوی.[۳۳]

راجع به معنای لغوی و اصطلاحی برکت می‌توان چنین گفت که چون سینهٔ شتر در هنگام نشستن و برخاستن، مقدم بر بقیهٔ اعضاست و اینکه شتر مهم‌ترین راه کسب روزی در بین اعراب است، به‌عنوان مصداق روشنی از خیر گفته شده است.[۳۴] این واژه به‌صورت مفرد در قرآن به کار نرفته است و تنها به‌صورت جمع دیده می‌شود.[۳۵] البته مشتقات دیگر این کلمه، مانند مبارک در آیات دیگر قرآن به کار رفته است.[۳۶]

دربارهٔ آیهٔ «وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ»[۳۷] در توضیح مبارک آمده است:

۳۰. ابن‌بابویه، عیون اخبار الرضا، ۳۶۸.
۳۱. کفعمی، المصباح، ۴۲۲.
۳۲. ازهری، تهذیب اللغة، ۱۳۱/۱۰.
۳۳. مرتضی زبیدی، تاج العروس، ۵۱۴/۱۳؛ ابن‌منظور، لسان العرب، ۳۹۵/۱۰.
۳٤. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۲۵۹/۱.
۳۵. نک: اعراف: ۹٦؛ هود: ٤۸ و ۷۳.
۳٦. نک: انعام: ۹۲؛ انبیاء: ۵۰، ص: ۲۹ و... .
۳۷. انعام: ۹۲.

خیری که از سوی خداوند می‌رسد، به‌طور نامحسوس صادر می‌شود و مقدار و عدد آن هم شمردنی نیست، پس به هر چیزی که دارای فراوانی محسوسی باشد، می‌گویند این چیز مبارک و دارای برکت است. علامه طباطبایی دربارهٔ معنای برکت در آیهٔ ۹۲ سورهٔ انعام قائل‌اند که برکت معنای نسبی دارد؛ یعنی به‌سبب غرضی که در آن وجود دارد، معناهای مختلفی می‌گیرد، چون خیربودن هر چیزی به‌حسب آن غرضی است که متعلق به آن می‌شود. به‌همین دلیل چون غرض از دین، تنهاوتنها سعادت معنوی یا حسی منتهی به معنوی است، پس مقصود از برکت در دین آن چیزی است که در آن خیر معنوی یا مادی منتهی به معنوی باشد، لذا برکت به‌معنای هر چیز کثیری مانند امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد گفته شده است.[۳۸]

کبیر مدنی شیرازی نیز در شرح صحیفه آورده است که افاضهٔ برکات بر پیامبر(ص)؛ یعنی پروردگار عالَم همواره بر ایشان نعمات دائمی و خیرات کثیر خود را فرو فرستد،[۳۹] پس امام سجاد(ع) از خداوند درخواست کرده است که کامل‌ترین برکت‌ها بر پیامبر(ص) و اهل بیت او نازل شود (کدS11). برکتی که سرشار از سلامتی، آسایش و کثرتِ وصف‌نشدنی است و این، نشان از تأکید بر لزوم تجلیل شایسته از پیامبر(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) دارد (کدS12).

۳. ۱. ۳. پربارترین رحمت‌ها

از دیگر مصادیق تجلیل و درود بر پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) در کلام امام سجاد، اهدای پربارترین رحمت‌ها بر ایشان است. آن حضرت، در ادامهٔ تجلیل‌ها و صلوات‌های خود بر این خاندان نورانی می‌فرمایند که: خدایا، پربارترین و بیشترین رحمت خودت را بر محمد و آل محمد(ع) نازل کن: «وَ تَرَحَّمْ عَلَیْهِ أَمْتَعَ رَحَمَاتِکَ.» در توضیح این بخش از مفهوم تجلیل و درود نیز ابتدا باید به واکاوی مفهوم رحمت بپردازیم. این واژه از ریشهٔ «رحم»، به‌معنای رقّت، تعطّف رأفت، نرمی و نرم‌خویی اخذ شده است.[۴۰]

علامه طباطبایی در معنای اصطلاحی رحمت می‌فرماید: «رحمت، صفتی است انفعالی و تأثر درونی خاصی است که قلب هنگام دیدن کسی که فاقد چیزی یا محتاج به چیزی است که نقص کار خود را تکمیل کند، متأثر می‌شود و از حالت پراکندگی، به حالت جزم و عزم در می‌آید تا

۳۸. طباطبایی، المیزان، ۲۰۱/۸.

۳۹. مدنی، ریاض السالکین، ۳۶۰/۶.

۴۰. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۴۹۸/۲؛ ابن‌منظور، لسان العرب، ۲۳۰/۱۲.

حاجت آن بیچاره را برآورد و نقص او را جبران کند، البته رحمت در خدای تعالی، به‌معنای تأثر قلبی نیست؛ بلکه باید نواقص امکانی آن را حذف کرد و باقیمانده را که همان اعطا، افاضه و رفع حاجت حاجتمند است، به خدا نسبت داد.»[۴۱]

واژهٔ «أَمْتِعَ» نیز از ریشهٔ «مَتَعَ»، به‌معنای منفعت، بهره‌مندی درازمدت و بی‌نیازکردن است.[۴۲] درخواست امتعِ رحمات خداوندی بر پیامبر اکرم(ص)؛ یعنی پروردگار متعال، نافع‌ترین رحمت‌های خود را به پیامبر(ص) افاضه کند. احتمال آن می‌رود که امتع در اینجا، به‌معنای جود و بخشش فراوان نیز باشد.[۴۳] گویی حضرت سجاد(ع) از خداوند درخواست کرده است بر نزول رحمت بر پیامبر(ص)، جود و بخشش فراوان به خرج دهد.

لازم به ذکر است که کلمهٔ «رحمان» در قرآن کریم به‌صورت مطلق آمده که نشانهٔ عمومیت آن است، درحالی‌که «رحیم» گاهی به‌صورت مقید ذکر شده که دلیل بر خصوصیت آن است؛ مانند آیهٔ «وَ کانَ بِالْمُؤْمِنینَ رَحیماً.»[۴۴] به‌همین دلیل در حدیثی از امام صادق(ع) نقل شده است: «اَلرَّحْمانُ إِسْمُ خاصٍّ، بِصِفَة عامَّة، وَ الرَّحِیْمُ إِسْمُ عامٍّ بِصِفَة خاصَّة.»[۴۵] «رحمان» اسم خاص است اما صفت عام دارد، نامی است مخصوص خدا ولی مفهوم رحمتش همگان را در بر می‌گیرد. «رحیم» اسم عام است به صفت خاص، نامی است که بر خدا و خلق هر دو گفته می‌شود اما اشاره به رحمت ویژهٔ مؤمنان دارد. لذا، حضرت درخواست رحمت ویژهٔ خداوند آن هم به‌صورت تمام و کمال را بر پیامبر(ص) دارد. طبق این عبارت از دعا، کامل‌ترین رحمت‌های الهی بر پیامبر(ص) و اهل بیت او نازل شده است (کدS13) و پیامبر(ص) و اهل بیت ذیل رحمت تام الهی هستند (کدS14).

۳. ۲. ویژگی‌های مورد تجلیل پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع)

بخش دیگری از مطالب ذکرشده در دعای عرفهٔ امام سجاد(ع)، تبیین ویژگی‌های پیامبر اکرم(ص) است، به‌ویژه آن دسته از ویژگی‌هایی که سبب می‌شود انسان‌ها این شخصیت نورانی و مقدس را تعظیم و تجلیل کنند. بدیهی است که این بخش از سخنان امام سجاد(ع) به‌منظور تبیین جایگاه و شخصیت حضرت رسول(ص) و اهل بیت(ع) بوده و تلاش کرده‌اند تا با نام‌بردن از

---

۴۱. طباطبایی، المیزان، ۱۸/۱.

۴۲. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۲۹۳/۵؛ مرتضی زبیدی، تاج العروس، ۴۴۹/۱۱.

۴۳. مدنی، ریاض السالکین، ۳۶۰/۶.

۴۴. احزاب: ۴۳.

۴۵. طبرسی، مجمع البیان، ۹۴/۱.

شخص پیامبر(ص) اولاً، مقام ایشان را معرفی کنند و ثانیاً، به ویژگی‌های مشترک ایشان با اهل بیت(ع) نیز اشاره کنند. بر این اساس، توجه به این نکته که از میان مجموعهٔ صفات، چه صفاتی را انتخاب کرده و بدان تأکید کرده‌اند، برای ما مهم است که در ادامه بدان‌ها اشاره خواهد شد.

۳. ۲. ۱. برگزیدهٔ خداوند

مهم‌ترین و پرتکرارترین صفتی که امام سجاد(ع) در دعای عرفهٔ خود برای پیامبر اکرم(ص) و بالتبع برای اهل بیت(ع) ایشان بیان کرده و بدان تأکید بسیار داشته‌اند، مسئلهٔ انتخاب و گزینش الهی ایشان است. حضرت سجاد(ع) با عبارات «الْمُنْتَجَبِ الْمُصْطَفَی»، «بِحَقّ مَنِ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِکَ»، «وَ بِمَنِ اصْطَفَیْتَهُ لِنَفْسِکَ»، «بِحَقّ مَنِ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِیّتِکَ» و «وَ مَنِ اجْتَبَیْتَ لِشَأْنِکَ»، از برگزیدگی و انتخاب پیامبر گرامی اسلام(ص) توسط خداوند متعال یاد می‌کنند. اگرچه واژهٔ «نَجَب» در لغت؛ یعنی کندن پوست درخت،[۴۶] اما مصدر «منتجب» نیز؛ یعنی به‌صورت اختیاری کسی را بر دیگران برگزیدن، استخلاص و برگزیدن چیزی و اختیارکردن آن.[۴۷]

واژهٔ مصطفی نیز اسم مفعول باب افتعال از ریشهٔ «صفو» است که «تاء» باب افتعال به «طاء» تبدیل شده و به‌معنای برگزیدن و خالص از هرگونه ناخالصی،[۴۸] انتخاب‌کردن چیزی برای خود[۴۹] آمده است، ولی در قرآن کریم به‌معنای برگزیدن چیزی پاک و انتخاب و گزینش شیئی خیر و نیک آمده است. لذا خدای تعالی گوید: «اللَّهُ یَصْطَفِی مِنَ الْمَلائِکَةِ رُسُلًا وَ مِنَ النَّاسِ»؛[۵۰] یعنی خدا از فرشتگان و مردم، رسولانی بر می‌گزیند. کلمهٔ «اجتباء» نیز اگرچه مترادف با «اصطفاء» است، اما تفاوت آن‌ها در این است که در «اصطفاء»، خالص‌بودن و جدابودن از کدورت‌ها و رغبت‌داشتن به قراردادن چیزی (تصفیه‌کردن) لحاظ می‌شود و در «اجتباء» جمع بین استخراج و انتخاب‌کردن مدِّنظر است.[۵۱]

در تفسیر المیزان، ذیل وصف کلمهٔ اصطفاء آمده است که به‌معنای چکیدهٔ هر چیز است، لذا معنای اصطفاء در موضوع مقام ولایت این است که بنده، در تمامی حالاتش به‌مقتضای بندگی و عبودیتش رفتار کند و تسلیم صرف پروردگار باشد و این معنا با همان عمل به دین در جمیع شئون تحقق می‌یابد؛ برای اینکه دین چیز دیگری نیست و همان مواد عبودیت در امور دنیا و آخرت

---

۴۶. فراهیدی، العین، ۱۵۱/۶.

۴۷. جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، ۲۲۲/۱؛ فراهیدی، العین، ۱۵۲/۶؛ ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۳۹۹/۵.

۴۸. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۲۹۲/۳.

۴۹. فراهیدی، العین، ۱۶۳/۷؛ ازهری، تهذیب اللغه، ۱۷۴/۱۲.

۵۰. حج: ۷۵.

۵۱. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۲۵۸/۶.

است.»[۵۲] سیدعلی‌خان شیرازی نیز معتقد است: الإنتجاب و الإصطفاء و الإختیار و الإجتباء، معنای واحد و شبیه به هم دارند و این صفات، نشان از برگزیدگی پیامبر(ص) و ریاست عامهٔ ایشان بر همهٔ خلق و تقرب و نزدیکی ایشان به خدای متعال دارد.[۵۳]

تأکید بسیار امام سجاد(ع) در دعای عرفه بر آن است که پیامبر اسلام(ص)، برگزیدهٔ الهی بوده (کدS4 و S79 و S82) و انتخاب ایشان به‌وسیلهٔ خود خداوند صورت گرفته است (کدS6 و S80وS81). علت این برگزیده‌شدن نیز دو چیز است: یکی به‌دلیل شرافت نسب و طهارت اصل و نسب ایشان، همان‌گونه که خود رسول خدا(ص) فرمودند: «لَمْ يَزَلْ يَنْقُلُنِي اَللَّهُ مِنْ أَصْلاَبِ اَلطَّاهِرِينَ إِلَى أَرْحَامِ اَلْمُطَهَّرَاتِ حَتَّى أَخْرَجَنِي فِي عَالَمِكُمْ هَذَا.»[۵۴] و دیگری، به‌دلیل بیان کمال پیامبر(ص) نسبت به سایر خلق و بزرگداشت ایشان، چنان‌که قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»[۵۵] این آیه، نشان از برتری و الگوبودن ایشان برای سایر مخلوقات دارد (کدS5). البته اگرچه مفسران، آیهٔ «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيْمِنًا عَلَيْهِ»[۵۶] را نشان‌دهندهٔ جامعیت و کامل‌بودن دین و شریعت اسلام نسبت به ادیان پیشین دانسته‌اند، اما عبدالله جوادی آملی معتقد است: «کتاب آسمانی هر پیامبری، تجلی شخصیت همان پیامبر(ص) است، پس کمال علمی و شخصیت معنوی پیامبر خاتم(ص) در قرآن ظهور می‌کند و چون هیمنه، سیطره و فضیلت قرآن بر کتاب‌های انبیای سلف ثابت شد، سیطره و فضیلت رسول خاتم(ص) بر دیگر انبیا نیز ثابت می‌شود.»[۵۷] به‌همین دلیل است که رسول خدا(ص) دربارهٔ برتری قرآن می‌فرمایند: «فَضْلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِه.»[۵۸]

۳. ۲. ۲. گرامی‌ترین نزد خداوند

ازجمله دیگر صفاتی که امام سجاد(ع) در دعای عرفهٔ خود به‌طور مکرر برای پیامبر اکرم(ص) بیان کرده و بدان تأکید داشته‌اند، مسئلهٔ جایگاه والا و گرامی ایشان نزد خداوند است. آن حضرت(ع) با تأکید بر عبارت «الْمُكَرَّم»، در موارد مختلف برای پیامبر اسلام(ص) به این موضوع اشاره کرده‌اند. در تحلیل این مطلب می‌بایست بدین نکته اشاره کرد که کرامت، به‌معنای دوربودن

۵۲. طباطبایی، المیزان، ۳۰۰/۱.
۵۳. مدنی، ریاض السالکین، ۴۰/۷.
۵٤. مجلسی، مرآت العقول، ۱۱۷/۱۵.
۵۵. احزاب: ۲۱.
۵٦. مائده: ۴۸.
۵۷. جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ۲۲/۸.
۵۸. مجلسی، بحار الأنوار، ۱۹/۸۹.

از فرومایگی است و نزدیک‌ترین واژه به آن در زبان فارسی، بزرگواری است. همهٔ انسان‌ها از تکریم عمومی پروردگار متعال برخودارند، افراد مؤمن و پیروان انبیای الهی نیز از تکریم ویژه برخوردارند، اما این تکریم‌های همگانی نسبی است؛ یعنی کرامت انسان‌ها نسبت به همدیگر متفاوت است و بعضی، از دیگری کریم‌ترند. این مراتب ادامه دارد اما وقتی به ائمهٔ اطهار می‌رسد، این سلسله قطع می‌شود و بالاتر از آن در قلمروِ امکان وجود ندارد؛ زیرا تقوای آن‌ها به مرحلهٔ عصمت رسیده است؛ چراکه تکریم اهل بیت، تکریم مطلق است.[۵۹] اما ویژگی دیگر پیامبر اسلام(ص) علاوه بر کرامت، تقرب ایشان به خداوند متعال است؛ چراکه واژهٔ «مکرم»، متضاد لئامت و مقابل حقارت و ذلت، به‌معنای شرافت است[۶۰] و در کرامت، عزت و برتری در وجود خود آن چیز است، نه اینکه نسبت به چیز دیگر برتری داشته باشد.[۶۱]

۳. ۲. ۳. مقرب درگاه خداوند

ازجمله دیگر صفاتی که امام سجاد(ع) در دعای عرفهٔ خود برای پیامبر اکرم(ص) و بالتبع برای اهل بیت(ع) بیان کرده‌اند، مسئلهٔ مقام و منزل ایشان نزد خداوند است. آن حضرت(ع) با تأکید بر عبارت «الْمُقَرّبِ» در موارد مختلف برای پیامبر اسلام(ص) به این موضوع اشاره کرده‌اند. در تحلیل این مطلب نیز می‌بایست بدین نکته اشاره کرد که این تقرب از حیث زمانی و مکانی نیست، بلکه به‌حسب ذات روحانی است.[۶۲] واژهٔ «مقرب» و ریشهٔ «قرب» در موارد زیر به کار می‌رود: نزدیکی زمانی، خویشاوندی به‌معنای بهره‌مندی، حرمت‌داشتن از سوی خدا و قدرتمندبودن.[۶۳]

در آیات بسیاری به مسئلهٔ تقرب و نزدیکی رسول‌الله(ص) به خداوند متعال اشاره شده است که نشان‌دهندهٔ جایگاه و مقام و مرتبه و نهایت نزدیکی رسول‌الله(ص) به خداوند متعال و اوج تشابه به ایشان است. لذا اینکه در سورهٔ نجم می‌فرماید: «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى»؛[۶۴] اشاره بدین مطلب مهم دارد که آن حضرت(ص)، شبیه‌ترین مخلوقات به خالقش است و بسیاری از آن صفات و ویژگی‌ها که برای خدای متعال متصور است، برای رسول و فرستادهٔ خاتم او نیز متصور است.[۶۵]

۵۹. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ۲۷۳/۳.
۶۰. جوهری، الصحاح، ۲۰۱۹/۵؛ ابن‌درید، جمهرة اللغة، ۷۹۸/۲.
۶۱. جوهری، الصحاح، ۲۰۱۹/۵؛ ابن‌درید، جمهرة اللغة، ۷۹۸/۲.
۶۲. مدنی، ریاض السالکین، ۳۵۹/۶.
۶۳. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۸۰/۵؛ ابن‌درید، جمهرة اللغة، ۳۲۴/۱.
۶۴. نجم: ۸ و ۹.
۶۵. فضل‌الله، من وحی القرآن، ۲۵۴/۲۱.

البته باید بدین توجه داشت که مهم‌ترین عامل تقرب و تشابه بـه خداونـد، اطاعـت و بنـدگی اوسـت و نیـز ازآنجاکـه ارزش بنـدگی بـه معرفـت اسـت و هرچـه معرفـت انسـان بیشـتر شـود، فرمان‌برداری و اطاعت او ارزش بیشتری پیدا می‌کند، لذا باتوجه‌به اینکه پیـامبر اکـرم(ص) و ائمـۀ اطهار(ع) بالاترین درجۀ معرفت به کُنه ذات ربـوبی را داشـته‌اند، پـس اطاعـت و بنـدگی آنـان در بالاترین درجات بوده و درنتیجه، تقرب آنان به پروردگار عالَم، بی‌بدیل خواهد بود.[٦٦] بنابراین طبـق آیـۀ «إِنَّ أَكْـرَمَكُمْ عِنْـدَ اللّـهِ أَتْقَـاكُمْ»،[٦٧] تقـرب، کرامـت را بـه‌دنبال دارد و پیـامبر(ص) چـون باکرامت‌ترین انسان‌هاست (کدS7)، پس مقرب‌ترین آن‌ها به خداوند متعال است (کدS8).

۳. ۲. ٤. واجب‌الاطاعة

بعد از اوصافی که در قسمت قبل ذکر شد، یکی دیگر از مهم‌تـرین و پرتکرارتـرین صـفاتی کـه امام سجاد(ع) در دعای عرفۀ خود برای پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) بیـان کـرده و بـدان تأکیـد بسیار داشته‌اند، مسئلۀ واجب‌الاطاعةبودن ایشان است. حضرت سجاد(ع) با عبـارات: «بِحَـقِّ مَـنْ وَصَلْتَ طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ»، «وَ مَنْ جَعَلْتَ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ»، «بِحَقّ مَنْ قَرَنْتَ مُوَالَاتَهُ بِمُوَالَاتِكَ» و «وَ مَـنْ نُطْـتَ مُعَادَاتَـهُ بِمُعَادَاتِـكَ» دائمـاً بـر ایـن نکتـه تأکیـد می‌کننـد کـه رسـول خـدا(ص) واجب‌الاطاعة است و اطاعت از ایشان، متصل به اطاعت از خداوند است (کدS83). این مطلـب در قرآن کریم نیز آمده است: «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَـاعَ اللَّـهَ وَ مَـنْ تَـوَلَّى فَمـا أَرْسَـلْناكَ عَلَـيْهِمْ حَفِيظاً»[٦٨]و آیۀ: «وَ ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»[٦٩]

همچنین آن حضرت در عبارت «وَ مَنْ جَعَلْتَ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ» بیان می‌دارند که سـرپیچی از نـواهی پیـامبر(ص)، عقـاب بـه‌دنبال دارد؛ چراکـه معصـیت رسـول، عـین معصـیت خداسـت (کدS84). نکتۀ درخورِ توجه در این بخش آن است که منظور از عبارت «بِحَقِّ مَنْ قَرَنْـتَ مُوَالَاتَـهُ بِمُوَالَاتِكَ» این است که خدا بین محبت خـودش و محبـت رسـول خـدا(ص) جمـع کـرده و ایـن عبارت و عبارت بعدی «وَ مَنْ نُطْتَ مُعَادَاتَهُ بِمُعَادَاتِـكَ»، بـه‌منظور تأکیـد بـر عبـارت قبـل؛ یعنـی اطاعت و عدم‌سرپیچی از رسول خدا(ص) آمده است [۷۰]و بیان می‌دارند کـه دوسـتی و دشـمنی بـا پیامبر(ص)، همانند دوستی و دشمنی با پروردگار متعال است (کدS85 وS86).

---

٦٦. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ۲۸٤/۳.

٦۷. حجرات: ۱۳.

٦٨. نساء: ۸۰.

٦۹. حشر: ۷.

۷۰. مدنی، ریاض السالکین، ٤۱/۷.

۴. ۲. ویژگی‌های تجلیل مطلوب بر پیامبر خدا(ص) و اهل بیت(ع)

بخش دیگر از مطالب امام سجاد(ع) در دعای عرفه به‌هنگام تجلیل از پیامبر اکرم(ص)، بیان ویژگی‌های صلواتی مطلوب است که درادامه برطبق ترتیب فراوانی بدان‌ها اشاره خواهد شد:

۴. ۲. ۱. صلواتی پاک

اولین ویژگی تجلیل و صلوات بر پیامبر اکرم(ص) و آل او این است که پاک و طاهر باشد: «صَلَاةً زَاكِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةٌ أَزْكَى مِنْهَا». کلمهٔ «زکا» در قرآن کریم و احادیث اهل بیت(ع)، به‌معنای پاک‌سازی و پالایش عناصر فاسد از سالم و طهارت آمده است.[۷۱] در دیگر منابع لغوی هم آمده است منظور از «صلاة زاکیة»، تمام و مبارک‌بودن است.[۷۲] در فرق بین تزکیه، تطهیر و تهذیب گفته‌اند: تطهیر، ناظر به حصول طهارت در برابر پلیدی است و تهذیب، به حصول صلاح و خلوص نظر دارد و در تزکیه، منظور، پاکسازی از عوامل فاسد و عناصر بازدارنده است؛[۷۳] یعنی در آینده، درودی زیادتر و پربرکت‌تر از آن حاصل نشود[۷٤] و صلوات بر آنان پاک و خالص باشد (کد**S19**).

۴. ۲. ۲. صلواتی فزاینده

ویژگی دوم صلوات آن است که فزاینده؛ یعنی دارای رشد و نمو و برکت باشد: «وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَاتَكُونُ صَلَاةٌ أَنْمَى مِنْهَا». واژهٔ نامیه از ریشهٔ «نمی»؛ به‌معنای مرتفع‌شدن و زیادشدن و بالارفتن است،[۷۵] صلوات بر پیامبر(ص) و اهل بیت باید فزاینده (کد**S20**) و رو به رشد و بابرکت برای پیامبر اکرم(ص) و نیز برای انسان باشد که در مباحث قبلی تفصیل این مطلب بیان شد.

۴. ۲. ۳. صلواتی رضایت‌بخش

ویژگی دیگر آن است که رضایت‌بخش باشد. این مطلب را دو مرتبه امام سجاد(ع) در دعای عرفه بیان کرده‌اند: «وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَاتَكُونُ صَلَاةٌ فَوْقَهَا» و «صَلَاةً مَرْضِيَّةً لَكَ وَ لِمَنْ دُونَكَ». مفهوم اصطلاحی رضا عبارت است از: ترک اعتراض بر مقدرات خداوند در باطن و ظاهر؛ هم در قول و هم در عمل[۷٦] و رضایت، حالتی است که در برخورد با هر چیز ملایم، بر نفس انسان عارض می‌شود و آن را می‌پذیرد. در مقابل رضایت، کلمهٔ سخط قرار دارد و این دو کلمه

---

۷۱. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۳۳۷/۴؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۳۸۰.

۷۲. طریحی، مجمع البحرین، ۲۰۶/۱.

.۷۳ مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۳۳۷/٤.

۷٤. مدنی، ریاض السالکین، ۳۶۰/۶.

۷۵. طریحی، مجمع البحرین، ۴۲۱/۱؛ حمیری، شمس العلوم، ۶۷۶۰/۱۰.

۷٦. نراقی، معراج السعادة، ۱۱۸٤.

وقتی به خدای سبحان نسبت داده می‌شود، مراد از آن ثواب و عقاب او خواهد بود. پس رضای خدا، به‌معنای ثواب‌دادن و پاداش‌دادن است.[۷۷] در جای دیگر، در معنای رضایت آمده است که رضای خدا از بنده، به‌معنای محبت اوست و در آخرت، سبب دوام نظر و تجلی می‌شود که برتر از آن مرتبه‌ای نیست.[۷۸]

اینکه امام چهارم(ع) می‌فرمایند: درودی را بر پیامبر(ص) و اهل بیت بفرست که هم راضیه باشد و هم مرضیه و خشنودی خداوند و غیرخداوند را در پی داشته باشد (کدS23 وS54)؛ یعنی طوری صورت بگیرد که به دنباله‌اش خدای سبحان از این عمل خشنود شود. شاید بتوان گفت نحوه و زمان فرستادن صلوات هم از مواردی است که خشنودی بیشتر خدا و اهل بیت را به‌دنبال دارد. یکی از آداب صلوات، فرستادن آن در شب و روز جمعه است. در روایت است امام صادق(ع) فرمودند: «الصَّدَقَةُ لَيلَةَ الْجُمُعَةِ وَ يوْمَهَا بِأَلْفٍ وَ الصَّلاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ لَيلَةَ الْجُمُعَةِ بِأَلْفٍ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَ يحُطُّ اللّه فِيهَا أَلْفاً مِنَ السَّيئَاتِ وَ يرْفَعُ فِيهَا أَلْفاً مِنَ الدَّرَجَاتِ»؛[۷۹] صدقه‌دادن در شب جمعه و روز آن و نیز صلوات شب جمعه و روز آن، برابر هزار حسنه است و هزار سیّئه به‌وسیلهٔ آن نابود می‌شود و هزار درجه بر مقام آدمی افزوده می‌شود.

۴. ۲. ۴. صلواتی شایسته

ویژگی دیگر صلوات آن است که شایستهٔ شخص و مقام و جایگاه پیامبر اکرم(ص) باشد و به‌صورت ویژه و اختصاصی، فقط در شأن آن حضرت قرار گیرد: «وَ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَاتَرْضَى لَهُ إِلَّا بِهَا، وَ لَاتَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا»؛ و بر او درود فرست، درودی که جز آن را برای او نپسندی و جز او را شایستهٔ آن نبینی. خداوند، جز با اتمّ صلوات و اکمل رحمت بر پیامبر(ص) راضی نمی‌شود و اگر در بین صلوات‌ها، صلواتی شریف‌تر و بالاتر از صلوات دیگر وجود داشته باشد، خداوند جز آن را برای ایشان نمی‌پسندد، چون پیامبر(ص) در مرتبه‌ای است که احدی در شرف و کمال نمی‌تواند با او شریک شود، به‌همین دلیل حضرت از خداوند خواسته صلواتی بر پیامبر(ص) بفرستد که هیچ‌کس جز پیامبر(ص) مستحق دریافت آن نیست،[۸۰] پس درود و صلوات خاص خداوند به‌گونه‌ای است که شایستهٔ مقام پیامبر(ص)و اهل بیت است (کد**S30**).

اگرچه در این عبارت از دعا و در آیهٔ ٥٦ سورهٔ احزاب، صلوات خدا و فرشتگان بر پیامبر

۷۷. طباطبایی، المیزان، ۲۸٤/۱۸.
۷۸. نراقی، جامع السعادات، ۲۰۷/۳.
۷۹. مفید، المقنعه، ۱٥٦.
۸۰. مدنی، ریاض السالکین، ۳٦۲/٦.

اکرم(ص) مطرح شده است، ولی روایات نبویِ مبین و مفسر آیهٔ شریفه، بیانگر این مطلب‌اند که آل پیامبر(ص) نیز در این شرافت و منقبت ویژهٔ الهی با رسول خدا(ص) اشتراک دارند، پس برترین و خاص‌ترین درود خداوند اختصاص به پیامبر(ص) و همین طور آل آن حضرت دارد (کد S29). طبرسی ذیل تفسیر آیهٔ ٥٦ سورهٔ احزاب می‌گوید که: چون خداوند متعال، اول این سوره را با ذکر پیامبر(ص) آغاز کرد و در میانهٔ آیه هم به بزرگداشت ایشان پرداخت، درانتها ایشان را تعظیمی کرد که هیچ تعظیمی مانند آن نیست. پس فرمود: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَى النَّبِیِ»؛[۸۱] یعنی همانا خدا درود فرستاد بر پیامبر(ص) و ستایش کرد بر او به ستایش نیکویی و احترام کرد او را به بزرگ‌ترین مراتب احترام و نیز فرشتگان درود بر او فرستاده و او را ستودند به بهترین ستودن‌ها و دعا کردند بر او به پاکیزه‌ترین دعاها.[۸۲] «این آیه، بزرگ‌ترین دلیل است بر اینکه پیامبر اکرم(ص) مهبط همهٔ رحمت‌ها و برترین اولین و آخرین به‌صورت مطلق است؛ زیرا درود خدا بر پیامبرش عبارت است از: رحمت همراه با تعظیم و درود خدا بر غیرپیامبر(ص)، مطلق رحمت است (بدون همراه‌بودن با تعظیم)، پس به تفاوت این دو صلوات و فرق میان این دو مقام بیندیش. ازاین‌رو، پیامبر(ص) منبع همهٔ رحمت‌ها و تجلیات است.»[۸۳]

٤. ۲. ۵ صلواتی دائم و همیشگی

یکی دیگر از ویژگی‌های صلوات آن است که می‌بایست به‌صورت دائم و همیشگی باشد. این مطلب را امام سجاد(ع) در دعای عرفهٔ خویش به دفعات و با عبارات مختلف بیان کرده‌اند: «وَ یَتّصِلُ اتّصَالُهَا بِبَقَائِکَ»، «وَ لَایَنْفَدُ کَمَا لَاتَنْفَدُ کَلِمَاتُکَ»، «صَلَاةً لَاأَمَدَ فِی أَوّلِهَا»، «وَ لَاغَایَةَ لِأَمَدِهَا»، «وَ لَانِهَایَةَ لِاخِرِهَا» و «صَلَاةً تُحِیطُ بِکُلّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ» که همهٔ این عبارات، ناظر به همیشگی و دائمی‌بودن صلوات بر پیامبر(ص) و ائمهٔ اطهار(ع) هستند. در این عبارت از دعا، منظور از اتصال، استمرار صلوات و عدم‌انقطاع آن است و می‌رساند همچنان‌که وجود خداوند باری‌تعالی انتها ندارد، درودی بر پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان فرستاده شود که انتهایی برای آن تصور نشود. لذا صلوات بر پیامبر(ص) و اهل بیت باید بی‌پایان و همیشگی باشد (کد S36)، همچنان‌که کلمات خداوند بی‌پایان است. این عبارت از دعا، تلمیحی به آیهٔ قرآن دارد که می‌فرماید: «وَ لَوْ أَنَّ ما فِی الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلامٌ وَ الْبَحْرُ یَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ ما نَفِدَتْ

۸۱. احزاب: ٥٦.

۸۲. طبرسی، مجمع البیان، ۵۷۸/۸.

۸۳. صابونی، صفوة التفاسیر، ٤۹۳/۲.

کَلِماتُ اللَّهِ»؛[۸٤] و اگر آنچه درخت در زمین است، قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر بـه یـاری آید، سخنان خدا پایان نپذیرد. در تفسیر این آیه آمده است، مقصود از کلمات، تمام آن چیزی است که تحت قدرت و علم خداست؛ زیرا قدرت خدا غیرمتناهی و مقـدوراتش نیـز غیرمتنـاهی اسـت؛ بنابراین کلماتی که دلالت بر آن مقدورات دارد نیز غیرمتناهی می‌شود.[۸۵]

٤. ۲. ٦. صلواتی عام و کامل

ویژگی دیگر صلوات آن است که می‌بایست عام و کامـل و جـامع باشـد. امـام سـجاد(ع) ایـن مفهوم را در عبارات مختلفی مانند: «وَ مُتَّصِلَةً بِنَظَائِرِهِنّ أَبَداً» و نیز «صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلّ صَـلَاةٍ سَـالِفَةٍ وَ مُسْتَأْنَفَةٍ» بیان می‌کنند؛ بدین‌معنا که، صلوات بر پیامبر(ص) و اهل بیت باید همیشگی و ابـدی و کامل و جامع باشد و تمامی انواع و اقسام تجلیل‌ها و درودها را شامل شود. کلمهٔ احاطـه از ریشـهٔ «حوط»، به‌معنای حفظ و صیانت دیواری است که مکانی را محدود و احاطه می‌کنـد.[۸٦] «سـالفه» نیز در لغت، به‌معنای گذشتن و پیشرو و طلایه‌دار و پیشی‌گیرنده است.[۸۷] «مسـتأنفه» نیـز از ریشـهٔ «أنف»، به‌معنای آغاز و اول هرچیز معنا می‌دهد؛[۸۸] یعنی صلواتی کامـل و جـامع و عـام در همـهٔ زمان‌ها باید شامل حال پیامبر(ص) و اهل بیت باشد (کد**S50**).

٤. ۲. ۷. صلواتی فراگیر

ویژگی دیگر آن است که صلوات باید توسط همهٔ مخلوقات و فراگیر باشد، بـه‌گونـه‌ای کـه هـم همهٔ اعضا و جوارح انسان در حال تجلیل و درود بر پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) او باشند و هم همهٔ مخلوقات جهان هستی مشغول این عمل شوند. این مطلب را امام سجاد(ع) با عبارات ذیل در دعای عرفهٔ خود بیان کرده‌اند: «صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ»، «وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جِنّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ» و «وَ تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةِ كُلّ مَـنْ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ» که شامل همهٔ آفریده‌های الهی است و در بخش تجلیل‌کننـدگان از پیامبر(ص) و اهل بیت به تفصیل آن پرداخته شده است.

٤. ۲. ۸. صلواتی بی‌شمار

ویژگی دیگر آن است که صلوات، بی‌شمار و کثیر و بی‌حدوحصر باشد که ایـن مطلـب نیـز بـا

---

۸٤. لقمان: ۲۷.

۸۵. طبرسی، مجمع البیان، ۵۰٤/۸.

۸٦. ابن‌اثیر، النهایة، ٤٦۱/۱.

۸۷. جوهری، الصحاح، ۱۳۷٦/٤.

۸۸. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۹۵.

عبارات ذیل در دعای عرفهٔ امام سجاد(ع) بیان شده است: «وَ تُنْشِئُ مَعَ ذَلِکَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْکَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا»، «وَ تَزِیدُهَا عَلَی کُرُورِ الْأَیَّامِ زِیَادَةً فِی تَضَاعِیفَ لَایَعُدُّهَا غَیْرُکَ» و «وَ عَدَدَ أَرَضِیکَ وَ مَا تَحْتَهُنّ وَ مَا بَیْنَهُنّ» که نشان می‌دهد صلوات بر پیامبر(ص) و اهل بیت باید فراوان و بی‌حدوحصر (کد**S55**) و غیرقابل شمارش باشد (کد**S57** و **S74**). در اینجا حضرت سجاد(ع) می‌فرماید که: «خدایا به صلوات‌های قبلی، صلوات‌های جدیدی اضافه کن»؛ به این معنا که، تمام صلوات‌ها را یک‌جا جمع کن. لذا مراد از مضاعف‌کردن صلوات‌ها، پدیدآوردن صلوات‌های دیگر است تا تعداد آن‌ها همراه با درودهای قبلی افزون شود.[۸۹]

در خصوص این قسمت از دعای امام سجاد(ع) نیز که می‌فرمایند: «وَ عَدَدَ أَرَضِیکَ وَ مَا تَحْتَهُنّ وَ مَا بَیْنَهُنّ»، گویا اشاره به چندطبقه‌بودن زمین دارد، چنان‌که در آیهٔ «اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ»[۹۰] به این امر اشاره شده که زمین نیز همانند آسمان، هفت قسمت است که دراین‌باره مطالب مفصلی در تفاسیر بیان شده است.[۹۱]

۴. ۲. ۹. صلواتی عظیم و وزین

ویژگی دیگری که برای صلوات مطلوب و شایسته بر پیامبر اکرم(ص) و آل او در دعای عرفه بیان شده، مسئلهٔ عظیم و وزین و ارزشمندبودن آن است. این مطلب، با عبارات «زِنَةَ عَرْشِکَ وَ مَا دُونَهُ» و «وَ مِلْءَ سَمَاوَاتِکَ وَ مَا فَوْقَهُنّ» بیان شده است که به ارزش و عظمت صلوات بر پیامبر(ص) و وزین‌بودن آن دلالت می‌کنند. زینت‌بودن برای عرش کبریای خداوند و همهٔ عالم، گنجیدن در ظرفیت تمام آسمان‌ها، معیاری است برای ارزش، عظمت و وزین‌بودن صلوات بر پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان (کد**S72**و **S73**). در اینجا کلمهٔ عرش عبارت است از آن مقامی که فرمان‌های الهی از آن مقام صادر می‌شود، فرامینی که با آن، امر عالم را تدبیر می‌کند.[۹۲] علامه طباطبایی معتقد است: «در عالم کون با همهٔ اختلافی که در مراحل آن است، مرحله‌ای وجود دارد که زمام جمیع حوادث و اسباب که علت وجود آن حوادث‌اند و ترتیب و ردیف‌کردن سلسله علل و اسباب منتهی به آنجاست و نام آن مرحله و مقام، «عرش» است و در آیهٔ «ثُمَّ اسْتَوَی عَلَی الْعَرْشِ» نیز کنایه از استیلا و تسلط خداوند بر ملک خود و قیام به تدبیر امور آن است، به‌طوری‌که هیچ موجود کوچک و بزرگی از قلمروِ تدبیرش ساقط نمی‌شود و در تحت نظامی دقیق، هر موجودی را

---

۸۹. مدنی، ریاض السالکین، ۳۷۰/۶.

۹۰. طلاق:۱۲.

۹۱. نک: طباطبایی، المیزان، ۳۲۵/۱۹.

۹۲. طباطبایی، المیزان، ۲۹۸/۱۷.

به کمال واقعی‌اش رسانیده و حاجت هر صاحب حاجتی را می‌دهد و لذا خداوند پس از ذکر استواء، تدبیر خود را ذکر می‌کند.»[۹۳]

۵. ۲. آثار تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع)

تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و آل او با صلوات‌فرستادن بر آن‌ها، دستور خداوند متعال در قرآن مجید است.[۹٤] پس بندگان خدا وظیفه دارند امر خداوند را اطاعت کنند و بر آن‌ها درود بفرستند. طبیعی است که این درخواست نزول رحمت و مغفرت توسط مؤمنان از خداوند و مستجاب‌شدن آن و نزول بیش‌ازپیش رحمت الهی بر آن مخلوق بی‌همتا نمی‌تواند بی‌نتیجه و بی‌ثمر باشد، به‌ویژه آنکه خداوند قبل از اینکه کسی از او درخواست فرستادن صلوات بر پیامبر(ص) کند، خود بر او صلوات فرستاده و رحمت و نعمتش را بر او نازل کرده است. امام سجاد(ع) در دعای عرفهٔ خویش، در مواردی تلاش کرده‌اند تا برخی از برکات و آثار و نتایج صلوات‌فرستادن بر پیامبر اکرم(ص) و آل او را تبیین کنند که پس از تحلیل محتوای این دعا، برخی از آن‌ها استخراج شده که به شرح ذیل بیان می‌شود.

۵. ۲. ۱. افزایش کرامت خداوند

از مهم‌ترین آثار و نتایج صلوات از منظر دعای عرفهٔ امام سجاد(ع) این است که سبب افزایش کرامت الهی بر رسول خدا(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت می‌شود، آنجا که امام چهارم می‌فرمایند: «صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نِحَلِکَ وَ كَرَامَتِکَ». در کتاب‌های لغت، واژهٔ «جزل»، به‌معنای عطای بسیار و کثیر آمده است.[۹۵] همچنین در ریاض السالکین آمده است که: عطای جزیل، یعنی به آن‌ها وسعت بده.[۹٦] واژهٔ «نِحَل» در عبارت فوق نیز به‌معنای اعطاکردن بدون درخواست عوض و چیزی است.[۹۷] در مفردات آمده است که «نِحَل»، بخشش و هبه‌ای است مثل تبرّع،[۹۸] ولی باید گفت که هبه، عام و فراگیرتر از نِحلَة است. به‌عبارت‌دیگر، هر هبه‌ای، نِحلَه است ولی هر نحله‌ای هبه نیست. نحله، یعنی بخشش چیزی پرسود و منفعت چنان‌که زنبور عسل بر اشیا قرار می‌گیرد و درعین حالی‌که به آن‌ها زیانی نمی‌رساند، بهترین سود و فایده را برداشت می‌کند. در کتاب فروق اللغة بین معنای نحله و عطیه تفاوت قائل شده و گفته شده است که عطیه،

---

۹۳. طباطبایی، المیزان، ۱۵۰/۸.

۹٤. نک: اعراف: ٥٦.

۹۵. جوهری، الصحاح، ۱۶۵۵/۴؛ فراهیدی، العین، ۶۷/۶؛ ابن‌سیده، المحکم و المحیط، ۲۹۲/۷.

۹٦. مدنی، ریاض السالکین، ۳۷۸/۶.

۹۷. فراهیدی، العین، ۲۳۰/۳.

۹۸. نک: راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۷۹۵.

حالت کلی‌تری نسبت به نحله دارد. نحله را انسان با طیب نفس و خاطر اعطا می‌کنـد و در اصـل، عطیه‌ای است بدون معارض.[۹۹]

علامه طباطبایی نیز معتقد است که: کلمهٔ نحله، به‌معنای عطیه‌ای است مجانی کـه در مقابـل ثمن قرار نگرفته باشد.[۱۰۰] ایشان در جایی دیگر می نویسد: «مقصود از تکریم، اختصـاص‌دادن بـه عنایت و شرافت‌دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد، چون تکریم، معنایی است نفسی و در تکریم، کاری به غیر نیست؛ بلکه تنها شخص مورد تکـریم مـدِّنظر اسـت کـه دارای شـرافتی و کرامتی بشود.»[۱۰۱] بنابراین، صلوات سبب افزایش بخشش و کرامت خداوند بر پیـامبر(ص) و اهـل بیت است (کدS60) و آن‌طـور کـه در معنـای نحلـه آمـد، حضـرت زین‌العابـدین(ع) از خداونـد درخواست می‌کند که پروردگار متعال عطیه‌ای به پیامبر(ص) و اهل بیـت(ع) بدهـد کـه بـا طیـب نفس و بدون عوض باشد. همچنین به آنان کرامت کنـد، یعنـی بـه آنـان بـه‌طور خـاص، شـرافت و عنایت خاص کرده است، به‌طوری که این عنایت را به کس دیگری نکرده باشد و در این بخشـش و کرامت، فزونی ببخشد.

۵. ۲. ۲. تکمیل عطا و بخشش خداوند

از دیگر آثار و نتایج صلوات بر پیامبر اکرم(ص) و آل او در کلام امام سجاد(ع) ایـن اسـت کـه خدای متعال، عطا و بخشش خود را بر آن‌ها تمام و کمال عرضه کند. آن حضرت(ع) در بخشـی از دعای عرفه به‌هنگام تجلیل از رسول‌الله(ص) می‌فرمایند: «وَ تُكْمِـلُ لَهُـمُ الْأَشْـيَاءَ مِـنْ عَطَايَـاكَ وَ نَوَافِلِكَ»؛ و عطاها و بخشش‌های افزون خود را بر آنان کامل نما. در اینجا، کلمـهٔ الأشـیاء عبـارت است از: پدیده‌های موجود. واژهٔ عطایا نیـز از ریشـهٔ «عطـو»، بـه‌معنای تنـاول بـا دسـت، تنـاول و بخشیدن است و جمع عطیه مخصوص جایزه‌دادن است.[۱۰۲] در معاجم عربی، برای معنای عطیه از کلمهٔ تناول، به‌معنای گرفتن استفاده شده است، ولی درحقیقت، منظور همـان اعطـا و دادن اسـت؛ چراکه راغب می گوید: «نَوْل» همان تناول و گرفتن است و در ادامه، می‌گویـد: تناولـت و أعطيتـه یعنی آن را دادم.[۱۰۳]

در این عبارت از دعا، امام سجاد(ع) از خداوند خواسته است که عـلاوه بـر عطـا و بخشـش و

۹۹. عسکری، الفروق فی اللغة، ۱۶۳/۱.

۱۰۰. طباطبایی، المیزان، ١٦٩/٤.

۱۰۱. طباطبایی، المیزان، ١٥٦/١٣.

۱۰۲. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۳۵۳/۴؛ فراهیدی، العین، ۲۰۸/۲.

۱۰۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۶۱۶ و ۸۲۹.

جایزهٔ خاص خود به پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع)، به‌صورت اضافی و زیادت هم به آن‌ها ببخشد و با این کار بخشش خود را بر آن‌ها کامل کند (کد S61). بنابراین، یکی دیگر از آثار و برکات صلوات، تکمیل عطا و بخشش خداوند بر پیامبر اکرم(ص) و آل اوست.

۵. ۲. ۳. افزایش بهره‌مندی از نعمات خداوند

یکی دیگر از آثار صلوات در کلام امام سجاد(ع)، افزایش بهرهٔ پیامبر اکرم(ص) و آل او از نعمات الهی دانسته شده است (کدS66). امام سجاد(ع) می‌فرمایند: «وَ تُوَفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَ فَوَائِدِكَ». در اینجا عبارت حظّ، به‌معنای نصیب‌بردن از فضل، خیر، بهره و نصیب معین آمده است.[١٠٤] کلمهٔ عوائد نیز جمع عائده، به‌معنای منفعت یا هر سودی که از چیزی به انسان عاید شود.[١٠٥] بنابراین، بهره‌مندی از عوائد و فوائد؛ یعنی آنچه خدا برای بنده‌اش از خیر افاده کرده است، بیش‌ازپیش نصیب و بهره او شود. منظور از خیر نیز چیزی است که به‌صورت برکت برای انسان حاصل می‌شود، لذا علم و ادب نیز ازجمله فوائد هستند.[١٠٦]

آنچه از این عبارات دعا حاصل می‌شود آن است که حضرت سجاد(ع) از خداوند درخواست می‌کند درودی بفرستد که سبب مزید افاضات و نعمت‌های باری‌تعالی بر آنان باشد و تکثیر و توفیر آن نعمت‌ها را از خداوند خواستار است. پس صلوات، سبب افزایش بهرهٔ پیامبر(ص) و اهل بیت از نعمات خداوند است (کدS62) که باتوجه‌به معنای لغوی واژه‌ها، این بهره‌ها می‌توانند از جهات گوناگون؛ ازجمله مالی، علمی، ادبی و کسب فراوان هرگونه خیر و فضیلت باشد.

۵. ۲. ٤. تقرب بیشتر به خداوند

همان‌گونه که در بخش ویژگی‌های مورد تجلیل پیامبر اکرم(ص) گفته شد، امام سجاد(ع) معتقدند: رسول خدا ازجمله گرامی‌ترین و مقرب‌ترین بندگان در نزد خداوند است و به همین دلیل، شایستهٔ تجلیل و تعظیم است. اما نکتهٔ جالب این است که ایشان در قسمت دیگری از دعای خود، یکی دیگر از آثار و برکات صلوات بر آن حضرت را تقرب بیشتر به خداوند متعال بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «صَلَاةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى»؛ یعنی خدایا چنان صلوات و درودی بر آن‌ها بفرست که آنان را هرچه بیشتر به تو نزدیک سازد. این مطلب نشان می‌دهد که کلیدواژهٔ «قرب»، بحثی مهم در خصوص صلوات و تجلیل از رسول خدا(ص) است، چنان‌که این موضوع با واژه‌های گوناگونی در

---

١٠٤. صاحب‌بن‌عباد، المحیط فی اللغة، ۳۰۹/۲؛ ازهری، تهذیب اللغة، ۲۷۳/۳.

١٠٥. جوهری، الصحاح، ۵۱۴/۲.

١٠٦. فیومی، المصباح المنیر، ۴۸۵/۲؛ طریحی، مجمع البحرین، ۱۲۴/۳.

قرآن کریم نیز تأکید شده است.[۱۰۷] ذیل آیهٔ «عَیْناً یَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ»[۱۰۸] نیز آمده است که امام صادق(ع) فرمودند: «منظور از مقربان، آل محمد(ص) هستند.»[۱۰۹]

در علم اخلاق، قرب به خدا را مطلوب نهایی انسان معرفی کرده و معیار باارزش‌بودن کار اخلاقی را تأثیری دانسته‌اند که در تقرب انسان به خداوند سبحان دارد.[۱۱۰] مصباح یزدی در بیان معناهای مختلف از قرب الهی می‌نویسد: «برخی گفته‌اند که منظور از قرب به خدا، افزایش علم، قدرت و کمال انسان و کاسته‌شدن از اختلاف و فاصلهٔ بین کمال انسان با کمال خداست. برخی گفته‌اند که معنای تقرب به خداوند این است که شخص چنان منزلتی نزد خدا یافته است که هرچه بخواهد خدا به او عنایت می‌کند. نظر سوم اینکه، تقرب به خدا امری حقیقی و واقعی است و در واقع به مقولهٔ علم و شهود مربوط می‌شود.»[۱۱۱] از منظر امام سجاد(ع)، صلوات سبب تقرب بیشتر پیامبر(ص) و اهل بیت به خداوند است (کدS75) و اینکه تقرب با کلمهٔ زلفی آمده است، نشان از آن دارد که گویی حضرت سجاد(ع) از خدا مرتبهٔ بالاتری از قرب و نزدیکی را برای معصومان خواهان است.

۵. ۲. ۵. جلب خشنودی خداوند

از نگاه امام سجاد(ع)، یکی دیگر از نتایج و آثار صلوات، جلب خشنودی و رضایت خداوند است. حضرت علی‌بن‌حسین(ع) در چند قسمت دعای عرفه می‌فرمایند: «وَ صَلِّ عَلَیْهِ صَلَاةً تُرْضِیکَ و تَزِیدُ عَلَی رِضَاکَ لَهُ»، «صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَکَ» و «وَ تَکُونُ لَکَ وَ لَهُمْ رِضًی». رضوان، در لغت اسم موضوع از کلمهٔ رضا و به‌معنای خشنودی زیاد است؛ چون بزرگ‌ترین رضا، خشنودی خدای تعالی است،[۱۱۲] لذا واژهٔ رضوان در قرآن به هرچه که از اوست اختصاص یافته است.

مفسران معتقدند رضوان حالتی است که در نفس آدمی هنگام برخورد با چیزی که ملایم طبع اوست پیدا می‌شود و نفس از پذیرفتن آن امتناع نمی‌ورزد و درصدد دفع آن بر نمی‌آید. در مقابل این حالت، حالت سخط و خشم است که در هنگام برخورد با ناملایمات، در نفس پیدا می‌شود و نفس درصدد دفع آن برمی‌آید.»[۱۱۳] از طرفی، منظور از تجاوز از رضوان یا رضایت بیش از اندازهٔ

۱۰۷. نک: مائده: ۲۷؛ مریم: ۵۲؛ سبأ: ۳۷؛ توبه: ۹۹؛ واقعه: ۱۱.
۱۰۸. مطففین: ۲۸.
۱۰۹. قمی، تفسیر القمی، ۴۱۱/۲.
۱۱۰. نک: مصباح، فلسفهٔ اخلاق، ۱۸۲.
۱۱۱. مصباح، فلسفهٔ اخلاق، ۳۳۳.
۱۱۲. فراهیدی، العین، ۵۷/۷.
۱۱۳. طباطبایی، المیزان، ۱۰۶/۳؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۴۶۱/۲.

خدا؛ «صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَکَ» (کدS75)، تجاوز از مقداری است کـه پیـامبر(ص) و اهـل بیـت به‌سبب اطاعت از خداوند مستحق احسان پروردگار می‌شوند؛ یعنی خداوند بر آنان درودی بفرستد که از این مقدار هم فراتر باشد.[۱۱٤]

بنابراین، باید گفت که صلوات و درود بر پیامبر خدا(ص) افزون بر اینکه نشانهٔ ایمان و لازمهٔ آن است؛ بلکه بر اساس آیات و روایات، عـاملی بـرای جلـب محبـت آن حضـرت و خشـنودی وی و درنتیجه خشنودی، رضایت و محبت الهی است. در همین زمینه، از رسول خدا(ص) روایـت شـده اسـت کـه فرمودنـد: «صَـلَاتُکُمْ عَلَـیَ مُجَـوِّزَةٌ لِـدُعَائِکُمْ وَ مَرْضَـاةٌ لِـرَبِّکُمْ وَ زَکَـاةٌ لِأَعْمَـالِکُمْ»؛ صلوات‌فرستادن شما بر من، مجوز (پذیرفته‌شدن) دعای شما و مایهٔ خشنودی پروردگارتان و زکات بدن‌های شماست.[۱۱۵] در روایت دیگری نقل می‌کنند که: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَلْقَی اللّهَ غَـداً رَاضِـیاً فَلْیُکْثِـرِ الصَّلَاةَ، عَلَیَّ»؛ کسی که دوست دارد خدا را فردای قیامت ملاقات کنـد، درحالی‌کـه از او خشـنود باشد، پس زیاد بر من صلوات بفرستد.[۱۱٦] امام باقر(ع) نیـز صـلوات را مهم‌تـرین سـفارش خـدای رحمان و کلید خشنودی او یاد فرموده است: «ذِرْوَةُ الْأَمْرِ وَ سَنَامُهُ وَ مِفْتَاحُهُ وَ بَـابُ الْأَشْـیَاءِ وَ رِضَـا الرَّحْمَنِ الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ»؛[۱۱۷] چراکه وقتی خداوند از فرستادن صـلوات بـر پیـامبر(ص) و اهل بیت خشنود می‌شود (کد S26و S34 وS76)؛ یعنی خداوند فرستانندگان صلوات بر ایشان را دوست دارد (کدS28) و این مسئله، نشان از جایگاه رفیع پیامبر(ص) و اهل بیت نزد خداونـد دارد (کدS27).

۵. ۲. ٦. جلب خشنودی پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع)

نکتهٔ شایان توجه در دعای عرفه آن است که امام سجاد(ع)، هم جلب رضـایت خداونـد و هـم جلب رضایت پیامبر اکرم(ص) و آل او را به‌عنوان آثار و نتـایج صـلوات بیـان کـرده و می‌فرماینـد: «صَلَاةً تُرْضِیهِ وَ تَزِیدُ عَلَی رِضَاهُ» و «وَ تَکُونُ لَکَ وَ لَهُمْ رِضًی»؛ به ایـن معنـا کـه، صـلوات سـبب خشنودی و رضایت بی‌اندازهٔ رسول خدا(ص) و اهل بیت ایشان است (کدS77 وS25). در اینجـا منظور از رضایت، رضایتی است که به‌معنای قناعت‌کردن و کـافی‌بودن باشـد. حـال وقتـی مراتـب کرامت پیامبر(ص) نزد خداوند سبحان بسـیار بالاسـت و ایشـان محبـوب‌ترین مخلوقـات در نـزد پروردگار متعال و گرامی‌ترین آن‌هاست، پس طبیعی است که صلواتی باید بر او فرسـتاده شـود کـه

۱۱٤. مدنی، ریاض السالکین، ۳۶۳/۶.
۱۱۵. مجلسی، بحار الأنوار، ٦٨/٩١.
۱۱٦. متقی هندی، کنزل العمال، ٥٠٤/١.
۱۱۷. کلینی، الکافی، ۱۹/۲.

بیشتر از رضایت ایشان و به اندازهٔ استحقاق ایشان باشد.[۱۱۸]

خشنودی پیامبر(ص) طبق روایات می‌تواند مقام شفاعت ایشان در آخرت باشد؛ چراکه در روایتی از رسول خدا(ص) آمده است که هرکس بگوید: «اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ تَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ شَهِدْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالشَّهَادَةِ وَ شَفَعْتُ لَهُ»؛[۱۱۹] بار خدایا! بر محمد و آل محمد(ص) صلوات و درود فرست، چنان‌که بر ابراهیم و آل ابراهیم(ع) فرستادی و بر محمد و آل محمد(ص)رحم کن، چنان‌که بر ابراهیم و آل ابراهیم(ع) رحم کردی. من در روز قیامت برای او شهادت می‌دهم و از او شفاعت می‌کنم. در روایتی دیگر، رسول خدا(ص) مردم را به فرستادن صلوات بسیار سفارش کرده و یک بار درودفرستادن بر ایشان را سبب ده‌بار پاسخ از سوی آن حضرت بیان کرده‌اند: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ مَرَّةً صَلَّيْتُ عَلَيْهِ عَشْراً وَ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ عَشْراً صَلَّيْتُ عَلَيْهِ مِائَةً فَلْيُكْثِرِ امْرُؤٌ مِنْكُمُ الصَّلَاةَ عَلَيَّ أَوْ فَلْيُقِلَّ.»[۱۲۰]

۶. ۲. تجلیل‌کنندگان از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع)

بخش دیگری از مطالب بیان‌شده در دعای عرفه در خصوص مقولهٔ تجلیل و تعظیم از پیامبر اکرم(ص) و آل او دربارهٔ اشخاصی است که به این مسئله پرداخته و مشغول درودفرستادن بر آن حضرات هستند. تحلیل دقیق عبارات امام سجاد(ع) نشان می‌دهد که آن حضرت، شش گروه را ازجمله تجلیل‌کنندگان و درود فرستندگان به رسول خدا(ص) معرفی کرده‌اند که عبارت‌اند از: ملائکه، انس، جن، اهل طاعت، اهل اجابت، تمام مخلوقات. در دعای عرفه آمده است: «صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَ تَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جِنّكَ وَ إِنْسِكَ وَ أَهْلِ إِجَابَتِكَ وَ تَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةِ كُلّ مَنْ ذَرَأْتَ وَ بَرَأْتَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ». بر اساس این عبارت، فرشتگان، تمام بندگان خدا؛ اعم از جن و انس، اهل طاعت و اجابت و درنهایت، همهٔ مخلوقات الهی بر پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) درود می‌فرستند (کدS40).

دانستیم که درود ملائکه بر پیامبر(ص)، انعطاف ایشان است بر وی، به اینکه او را تزکیه و برایش استغفار کنند و صلاة مؤمنان بر او انعطاف ایشان است به‌وسیلهٔ درخواست رحمت برای

۱۱۸. مدنی، ریاض السالکین، ۳۶۲/۶.
۱۱۹. مجلسی، بحار الأنوار، ۸۷/۹۱.
۱۲۰. مجلسی، بحار الأنوار، ٢٥٤/٦.

او،[۱۲۱] چنان‌که برخی دیگر گفته‌اند: صلوات از سوی ملائکه، استغفار است و از سوی مردم، دعاکردن.[۱۲۲] بنابراین، از نکاتی که می‌توان از متن دعای عرفهٔ امام سجاد(ع) برداشت کرد این مطلب است که جایگاه پیامبر اسلام(ص) و اهل بیت او، از جایگاه دیگر پیامبران و رسولان الهی بالاتر است؛ چراکه آنان نیز موظف‌اند بر رسول خدا(ص) و ائمهٔ اطهار درود بفرستند. دراین‌باره، روایتی از امام صادق(ع) نقل شده که: فردی نزد ایشان، نام یکی از پیامبران را برد و بر آن پیامبر صلوات فرستاد. در این هنگام، حضرت صادق(ع) فرمودند: «هرگاه نام یکی از پیامبران به میان آمد، ابتدا بر پیامبر خاتم(ص) و سپس بر آن پیامبر چنین درود بفرست: «صَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلى جَمِيعِ الأنبياءِ.»[۱۲۳]

در خصوص برتری مقام امامان معصوم بر پیامبران پیشین نیز میان متکلمان امامیه اختلاف‌نظر وجود دارد، اما اکثر عالمان مسلمان باور دارند که آنان بر همهٔ پیامبران الهی جز رسول خاتم(ص) برتری دارند. بر اساس این دیدگاه، امامان معصوم(ع) مظهر کامل ولایت الهی در عرصهٔ تکوین و تشریع‌اند، پس والایی مقام آنان بر پیامبران پیشین حتی رسولان اولوالعزمی، مانند حضرت ابراهیم(ع) را نیز شامل می‌شود.[۱۲٤] افزون بر این، در برخی روایات آمده است که در بسیاری از پیش‌آمدها و مشکلات، انبیای خدا به پیامبر(ص) و اهل بیت عصمت و طهارت توسل کرده و آن‌ها را واسطه قرار داده‌اند که همین نشان از جایگاه و شناختی است که آنان از این اولیای خدا دارند.[۱۲۵]

همچنین باید بدین نکته اشاره کرد که منظور از عباد در دعای امام سجاد(ع)، همهٔ بندگان خدا نیستند؛ بلکه کسانی هستند که قرآن دربارهٔ آن‌ها می‌فرماید: «وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»،[۱۲٦] آن هم به‌دلیل عطف‌شدن اهل اجابت به این عبارت، یعنی عطف عام به خاص است. البته بعضی از مفسران هم قائل‌اند که در بیشتر آیات قرآن، لفظ عباد اختصاص به مؤمنان دارد، مانند: «فَبَشِّرْ عِبادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»،[۱۲۷] «عَيْناً يَشْرَبُ بِها عِبادُ اللَّهِ»[۱۲۸] و «فَادْخُلِي فِي عِبادِي.»[۱۲۹] بنابراین، منظور از اهل

۱۲۱. نک: طباطبایی، المیزان، ۳۳۸/۱٦.
۱۲۲. فضل‌الله، من وحی القرآن، ۳٤٦/۱۸.
۱۲۳. ابن‌بابویه، الأمالی، ۳۸۰.
۱۲٤. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ۱۶۸/۹.
۱۲۵. نک: مجلسی، بحار الأنوار، ۳٦٦/۱٦.
۱۲٦. فرقان: ۲۳ و ۲۴.
۱۲۷. زمر: ۱۷و۱۸.

طاعت و اجابت کسانی هستند شامل جن و انس که باتوجه‌به آیهٔ «یا قَوْمَنا أَجیبُوا داعِیَ اللَّه»،[۱۳۰] دعوت داعی‌الله؛ یعنی حضرت محمد(ص) را اجابت کرده و به او ایمان آوردند،[۱۳۱] پس هر جن و انسی شایستهٔ فرستادن صلوات و توفیق درود بر رسول خدا(ص) را ندارد، بلکه آنانی توفیق می‌یابند که دعوت رسول خدا(ص) را اجابت کنند و مؤمن به او باشند.

نتیجه‌گیری

به‌منظور تحلیل محتوای دعای عرفهٔ امام سجاد(ع) با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای مضمونی، صرفاً مقوله‌ای خاص و شاخص در این دعای ارزشمند بررسی و تحلیل شد. نتایج حاصل از استخراج مضامین اصلی و فرعی همهٔ دعای عرفه نشان داد که مقولهٔ تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) در این دعا از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است، به‌گونه‌ای که حضرت سجاد(ع) در چندین موقعیت به این موضوع پرداخته و مطالب مهمی را در این زمینه بیان کرده است.

تحلیل دقیق و کیفی مجموعه مضامین این مقوله نشان داد که آن‌ها را می‌توان ذیل پنج مضمون اصلی و بیست‌وهشت مضمون فرعی دسته‌بندی کرد. منظور از مضامین اصلی، مضامین عام و کلی هستند که دربارهٔ موضوعی خاص در متن حضور فعال دارند. این پنج مضمون اصلی عبارت‌اند از: چیستی تجلیل، ویژگی‌های مورد تجلیل، ویژگی‌های تجلیل مطلوب، آثار تجلیل، تجلیل‌کنندگان.

امام سجاد(ع)، منظور از تجلیل و درود فرستادن بر پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) را ارائهٔ برترین درودها و تحیات، کامل‌ترین خیرات و برکات و پربارترین رحمت‌ها تفسیر کرده‌اند. در این دعا، چهار ویژگی خاص به‌عنوان ضرورت و چرایی تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) بیان شده که عبارت‌اند از: برگزیدهٔ خداوند، گرامی‌ترین نزد خداوند، مقرب درگاه خداوند و واجب‌الاطاعه‌بودن این افراد.

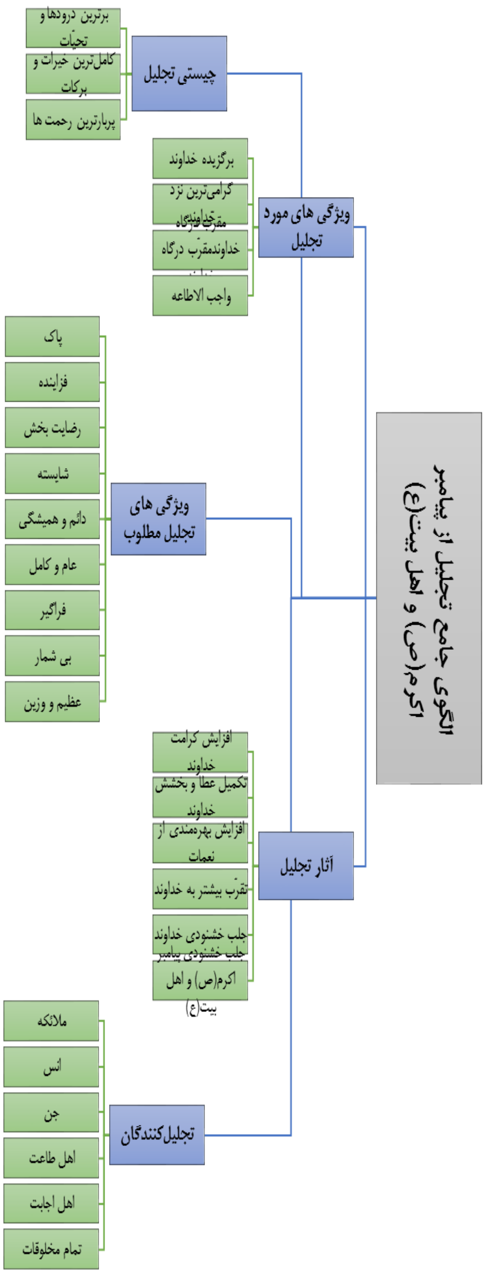
از منظر امام سجاد(ع)، ویژگی‌های تجلیل و صلواتی مطلوب عبارت است از: پاک، فزاینده، رضایت‌بخش، شایسته، دائم و همیشگی، عام و کامل، فراگیر، بی‌شمار، عظیم و وزین. همچنین آن

۱۲۸. انسان: ۶.
۱۲۹. فجر: ۲۹.
۱۳۰. احقاف: ۳۱.
۱۳۱. مدنی، ریاض السالکین، ۳۶۸/۶تا۳۶۷.

حضرت(ع) برای چنین تجلیل مطلوب و شایسته‌ای، آثار و نتایجی ذکر کرده‌اند که عبارت‌اند از: افزایش کرامت خداوند، تکمیل عطا و بخشش خداوند، افزایش بهره‌مندی از نعمات خداوند، تقرب بیشتر به خداوند، جلب خشنودی خداوند و نیز جلب خشنودی پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع). در بخش دیگر دعای عرفه نیز تجلیل‌کنندگان واقعی از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) معرفی شده‌اند که عبارت‌اند از: ملائکه، انس، جن، اهل طاعت، اهل اجابت، تمام مخلوقات.

در پایان، نتایج جستار در نمودار ذیل درخورِ توجه است:

نمودار ۲: الگوی جامع تجلیل از پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) در دعای عرفۀ امام سجاد(ع)



منابع

قرآن کریم. مترجم: محمدمهدی فولادوند. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
ابن‌اثیر، مبارک‌بن‌محمد. النهایه فی غریب الحدیث و الأثر. قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۷.
ابن‌بابویه، محمدبن‌علی. عیون اخبار الرضا علیه السلام. تهران: جهان. ۱۴۰۳ق.
ــــــــــــــ الأمالی. تهران: کتابچی. ۱۳۷۶.
ــــــــــــــ ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دار الشریف الرضی. ۱۴۰۶ق.
ابن‌حجر هیثمی، احمدبن‌محمد. الصواعق المحرقة فی الرد علی أهل البدع و الزندقة. بیروت: الرسالة. ۱۴۱۷ق.
ابن‌درید، محمدبن‌حسن. جمهرة اللغة. بیروت: دار العلم للملایین. ۱۹۸۸م.
ابن‌سیده، علی‌بن‌اسماعیل. المحکم و المحیط الأعظم. بیروت: دار الکتب العلمیة. ۱۴۲۱ق.
ابن‌شهر آشوب، محمدبن‌علی. معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و أسماء المصنفین منهم قدیماً و حدیثاً. نجف: المطبعة الحیدریة. ۱۳۸۰ق.
ابن‌طاوس، علی‌بن‌موسی. اقبال الأعمال الحسنه فیما یعمل مرة فی السنة. محقق: جواد قیومی اصفهانی. قم: مکتب الإعلام الإسلامی. ۱۴۱۹ق.
ابن‌فارس، احمدبن‌فارس. معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الإعلام الإسلامی. ۱۴۰۴ق.
ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم. لسان العرب. بیروت: دار صادر. ۱۴۱۴ق.
ازهری، محمدبن‌احمد. تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی. ۱۴۲۱ق.
امین عاملی، محسن. البحر الزخار. بیروت: شرکة للطباعة و النشر. ۱۴۰۳ق.
باردن، لورنس. تحلیل محتوا. مترجم: ملیحهٔ آشتیانی و محمد یمنی دوزی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۷۵.
بخاری، محمدبن‌اسماعیل. صحیح البخاری. بیروت: دار طوق النجاة. ۱۴۲۲ق.
جوادی آملی، عبدالله. ادب فنای مقربان. قم: اسراء. ۱۳۹۰.
ــــــــــــــ تفسیر موضوعی قرآن کریم. قم: اسراء. ۱۳۷۶ش.
جوهری، اسماعیل‌بن‌حماد. الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة. بیروت: دار العلم للملایین. ۱۳۷۶ق.
حمیری، نشوان‌بن‌سعید. شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم. دمشق: دار الفکر. ۱۴۲۰ق.
راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دار القلم. ۱۴۱۲ق.
صابونی، محمدعلی. صفوة التفاسیر. بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۱ق.
صاحب‌بن‌عباد، اسماعیل‌بن‌عباد. المحیط فی اللغة. بیروت: عالم اللغة. ۱۴۱۴ق.
صاحب‌جواهر، محمدحسن‌بن‌باقر. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحیاء التراث

العربی. ۱۳٦۲.

طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیرالقرآن. بیروت: اعلمی. ۱۳۹۰ق.

طبرسی، فضل‌بن‌حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصرخسرو. ۱۳۷۲.

طریحی، فخرالدین‌بن‌محمد. مجمع البحرین. تهران: مرتضوی. ۱۳۷۵.

عترت‌دوست، محمد. آشنایی با روش تحلیل محتوای نصوص دینی. تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی. ۱٤۰۱.

عترت‌دوست، محمد، فائزه محمدی، بی‌بی سادات رضی بهابادی. «امام‌شناسی مبتنی بر تحلیل محتوای دعای عرفهٔ امام سجاد(ع)». سفینه. ش۷٤، ۱٤۰۱، ۱۳۸تا۱٦۹.
http://dorl.net/dor/20.1001.1.17350689.1401.19.74.3.0

عسکری، حسن‌بن‌عبدالله. الفروق فی اللغه. بیروت: دار الآفاق الجدیده. ۱٤۰۰ق.

علی‌بن‌حسین، امام چهارم. صحیفهٔ سجادیه. مترجم: حسین استاد ولی. تهران: الهادی. بی‌تا.

فاضلی، قادر. عرفان عرفه. قم: سروش. ۱۳۸٦.

فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد. العین. قم: هجرت. ۱٤۰۹ق.

فضل‌الله، محمدحسین. من وحی القرآن. بیروت: دار الملاک. ۱٤۱۹ق.

فیومی، احمدبن‌محمد. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم: دار الهجره. ۱٤۱٤ق.

قمی، علی‌بن‌ابراهیم. تفسیر القمی. قم: دار الکتاب. ۱۳٦۳.

مدنی، علی‌خان‌بن‌محمد. ریاض السالکین فی شرح صحیفهٔ سیدالساجدین. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱٤۰۹ق.

کریپندورف، کلوس. مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا. مترجم: هوشنگ نائینی. تهران: روش. ۱۳۷۸.

کریم‌زاده، نرگس. مستندات قرآنی دعای عرفهٔ امام سجاد(ع). تهران: هاجر. ۱۳۹۵.

کفعمی، ابراهیم‌بن‌علی. البلد الأمین و الدرع الحصین. بیروت: اعلمی. ۱٤۱۸ق.

ــــــــــــ المصباح. قم: دار الرضی. ۱٤۰۵ق.

کلینی، محمدبن‌یعقوب. الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیة. ۱٤۰۷ق.

متقی،علی‌بن‌حسام‌الدین. کنزل العمال فی سنن الأقوال و الأفعال. بیروت: الرساله. ۱٤۰۱ق.

مجلسی، محمدباقربن‌محمدتقی. بحار الأنوار الجامعة لدرر الاخبار الأئمة الأطهار بیروت: دار إحیاء التراث العربی. ۱٤۰۳ق.

ــــــــــــ مرآت العقول فی شرح اخبار آل الرسول. تهران: دار الکتب الإسلامیة. ۱٤۰٤ق.

محلاتی، حیدر. «بررسی تطبیقی دعای عرفهٔ امام حسین(ع) و امام سجاد(ع)». آیت بوستان؛ پژوهش‌نامهٔ

معارف حسینی. ش٤، ۱۳۹۵، ۱۰٦تا۱۲۲.

محمدی، فائزه. تحلیل محتوای دعای عرفهٔ صحیفهٔ سجادیه، پایان‌نامهٔ دورهٔ کارشناسی ارشد. بـه‌راهنمایی: بی‌بی سادات رضی بهابادی. تهران: دانشگاه الزهرا(س). ۱۳۹۹.

مرتضی زبیدی، محمدبن‌محمد. تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر. ١٤١٤ق.

مصباح، محمدتقی. فلسفهٔ اخلاق. تهران: امیرکبیر. ۱۳۸۱.

مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳٦۰.

مفید، محمدبن‌محمد. المقنعة. قم: کنگرهٔ شیخ مفید. ١٤١٣ق.

مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیة. ۱۳۷۱ش.

ـــــــــــــــ عرفان اسلامی؛ شرحی جامع بر صحیفهٔ سـجادیه. قـم: امـام علی‌بن‌ابی‌طالـب(ع). ۱۳۹٤.

نراقی، احمدبن‌محمدمهدی. معراج السعادة. تهران: حوزهٔ علمیهٔ اسلامی. ۱۳٤۸ق.

نراقی، مهدی‌بن‌ابی‌ذر. جامع السعادات. بیروت: اعلمی. بی‌تا.

هولستی، اُل آر. تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمهٔ نادر سـالارزاده امیـری. تهـران: دانشـگاه علامه طباطبایی. ۱۳۷۳.

Transliterated Bibliography

ʿAlī ibn Ḥusayn, Imām Chahārum. *Ṣaḥīfah-yi Sajādīyah*. *Translated by* Ḥusayn Ustād Valī. Tehran: al-Hādī. s.d.

Amīn ʿĀmilī, Muḥsin. *al-Baḥr al-Zakhkhār*. Beirut: Shirka li-l-Ṭibāʿa wa-al-Nashr.1983/1403.

ʿAskarī, Ḥasan ibn ʿAbd Allah. *al-Furūq fī al-Lugha*. Beirut: Dār al-Āfāq al-Jadīda. 2022/1400.

Azharī, Muḥammad Ibn Aḥmad. *Tahdhīb al-Lugha*. Beirut: Dār Ihyāʾ al-Turāth al-ʿArabī, 2000/1421.

Bardin, Laurence. *Taḥlīl-i Muḥtavā*. *translated by Mal*ihih Āshtīyānī va Muḥammad Yamanī Davzī. Tehran: Shahid Beheshti University. 1997/1375.

Bukhārī, Muḥammad ibn Ismāʿīl. *Ṣaḥīḥ al-Bukhārī*. Beirut: Dār Ṭawq al-Najāh. 2001/1422.

Faḍl Allāh, Muḥammad Ḥusayn. *Min Vaḥy Qurān*. Beirut: Dār al-Malāk. 1998/1419.

Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. *al-ʿAyn*. Qum: Hijrat. 1989/1409.

Fayyūmī, Aḥmad ibn Muḥammad. *Miṣbāḥ al-Munīr fī Gharīb al-Sharḥ al-Kabīr li-l-Rāfiʿī*. Qum: Dār al-Hijrah. 1993/1414.

Fāżilī, Qādir. *'Irfān-i 'Arafah*. Qum: Surūsh. 2008/1386.

Ḥimyarī, Nashwān ibn Sa'īd. *Shams al-'Ulūm wa Dawā' Kalām al-'Arab min al-Kulūm*. Damascus: Dār al-Fikr. 1999/1420.

Holsti, Ole R. *Taḥlīl-i Muḥtavā dar 'Ulūm Ijtimā'ī va Insānī. Translated by* Nādir Sālārzādih Amīrī. Tehran: Allameh Tabataba'i University. 1995/1373.

Ibn Athīr, Mubārak ibn Muḥammad. *al-Niḥāya fī Gharīb al-Ḥadīth wa al-Athar*. Qum: Ismā'īlīyān, 1989/1367.

Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn 'Alī. *al-Amālī.* Tehran: Kitābchī. 1998/1376.

Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn 'Alī. *Thawāb al-A'māl wa 'Iqāb al-A'māl*. Qum: Dār al-Sharīf al-Raḍī. 1986/1406.

Ibn Bābawayh, Muḥammad ibn 'Alī. *'Uyūn Akhbār al-Riżā(AS).* Tehran: Jahān. 1983/1403.

Ibn Durayd, Muḥammad ibn Ḥasan. *Jamhara al-Lugha*. Beirut: Dār al-'Ilm li-l-Malāyīn. 1988. 1408.

Ibn Fāris, Aḥmad ibn Fāris. *Mu'jam Maqāyīs al-Lugha*. Qum: Maktab al-I'lām al-Islāmī. 1984/1404.

Ibn Ḥajar Haythamī, Aḥmad ibn Muḥammad. *al-Ṣawā'iq al-Muḥriqa fī al-Radd 'alā Ahl al-Bida' wa al-Zandaqa*. Beirut: Risālah. 1996/1417.

Ibn Manẓūr, Muḥammad ibn Mukarram. *Lisān al-'Arab*. Beirut: Dār Ṣādir. 1993/1414.

Ibn Shahrāshūb, Muḥammad ibn 'Alī. *Ma'ālim 'Ulamā' fī Fihrist Kutub Shi'a wa al-Asmā' al-Muṣannifīn minhum Qadīman wa Ḥadīthan*. Najaf: Maṭba'a al-Ḥydarīyya. 1961/1380.

Ibn Sīda, 'Alī ibn Ismā'īl. *al-Muḥkam wa al-Muḥīṭ al-A'ẓam*. Beirut: Dār al-Kutub-i al-'Ilmīyya. 2000/1421.

Ibn Ṭāwūs, 'Alī ibn Mūsā. *Iqbāl al-A'māl al-Ḥasana fīmā Yu'malu Marratan fī al-Sana*. researched *by Jaw*ād Qayyūmī Iṣfahānī. Qum: Maktab al-I'lām al-Islāmī. 1998/1419.

'Itrat Dust, Muḥammad va Fā'izih Muḥammadī, bī bī Sādāt Rażī Bahābādī. "Imāmshināsī Mubtanī bar Taḥlīl-i Muḥtavāy Du'ā-yi 'Arafah-yi Imām Sajād(AS)". *Safīnih*. No. 74, 2023/1401, 138-169.

'Itrat Dust, Muḥammad. *Āshināyī bā Ravish Taḥlīl-i Muḥtavāy Nuṣūṣ-i Dīnī.* Tehran: Shahid Rajaee Teacher Training University. 2023/1401.

Javādī ʻĀmilī. ʻAbd Allah. *Adab Fanāy Muqarabān*. Qum: Asrā’. *2012/1390.*

Javādī ʻĀmilī. ʻAbd Allah. *Tafsīr Mawżūʻī Qurān-i Karīm.* Qum: Asrā’. *1998/1376.*

Jawharī, Ismāʻīl ibn Ḥammād. *al-Ṣiḥāḥ: Tāj al-Lugha wa Ṣiḥāḥ ʻArabīya*. Beirut: Dār al-ʻIlm li-l-Malāyīn. 1957/1376.

Kafʻamī, Ibrāhīm ibn ʻAlī. *al-Balad al-Amīn wa al-Dirʻ al-Ḥaṣīn*. Beirut: Aʻlamī. 1997/1418.

Kafʻamī, Ibrāhīm ibn ʻAlī. *Miṣbāḥ*. Qum: Dār al-Raḍī. 1985/1405.

Karīmzādih, Nargis. *Mustanadāt-i Qurānī Duʻā-yi ʻArafah-yi Imām Sajād(AS).* Tehran: Hājar. 2017/1395.

Krippendorff, Klaus. *Mabānī Ravishshināsī Taḥlīl-i Muḥtavā. translated by H*ūshang Nāʾīnī. Tehran: Ravish. 2000/1378.

Kulīnī, Muḥammad ibn Yaʻqūb. *al-Kāfī.* Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya. 1987/1407.

Madanī, ʻAlī Khān ibn Muḥammad. *Riyāḍ al-Sālikīn fī Sharḥ al-Ṣaḥīfah Sayyid al-Sājjidīn*. Qum: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī, 1989/1409.

Maḥalātī, Ḥīdar. " Barrisī Taṭbīqī-i Duʻā-yi ʻArafah-yi Imām Ḥusayn(AS) va *yi* Imām Sajād(AS)". *Āyat Bustān; Pazhūhnāmah-yi Maʻārif Ḥusaynī*. No. 4, 2017/1395, 106-122.

Majlisī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. *Biḥār al-Anwār al-Jāmiʻa li-Durar Akhbār A'imma al-Aṭhār.* Beirut: Dār Iḥyā’ *al-T*ūrāth al-ʻArabī. 1983/1403.

Majlisī, Muḥammad Bāqir ibn Muḥammad Taqī. *Mirāt al-ʻUqūl fī Sharḥ Akhbār Āl al-Rasūl*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya. 1984/1404.

Makārim Shīrāzī, Nāṣir. *ʻIrfān-i Islāmī; Sharḥī Jāmiʻ bar Ṣaḥīfah-yi Sajādīyah*. Qum: Imām ʻAlī ibn abī Ṭālib (AS). 2016/1394.

Makārim Shīrāzī, Nāṣir. *Tafsīr-i Numūnah*. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya. 1993/1371.

Miṣbāḥ. Muḥammad Taqī. *Falsafah-yi Akhlāq.* Tehran: Amīr Kabīr. 2003/1381.

Mufīd, Muḥammad ibn Muḥammad. *al-Muqniʻa*. Qum: Kugirih-yi Shaykh-i Mufīd 1993/1413.

Muḥammadī, Fā*'izih. Taḥlīl-i Muḥtavāy Duʻā-yi ʻArafah-yi Ṣaḥīfah-yi Sajādīyah*, Pāyānnāmah-yi Durih-yi Kārshināsī Arshad bi Rāhnamāī bī bī Sādāt Rażī Bahābādī. Tehran: al-Zahra University. 2021/1399

Murtaḍā Zabīdī, Muḥammad ibn Muḥammad. *Tāj al-ʻArūs min Jawāhir al-Qāmūn*. Beirut:

Dār al-Fikr. 1993/1414.

Muṣṭafavī, Ḥasan. *Al-Taḥqīq fī Kalamāt al-Qurān al-Karīm*. Tehran: Bungāh-i Tarjamah va Nashr-i Kitāb.1982/1360

Muttaqī, ʿAlī ibn Ḥisām al-Dīn. *Kanz al-ʿUmmāl fī Sunan al-Aqwāl wa al-Afʿāl*. Beirut: Risālah. 1981/1401.

Narāqī, Aḥmad ibn Muḥammad Mahdī. *Miʿ rāj al-Saʿāda*. Tehran: Ḥawzah-yi ʿIlmīyah-yi Islāmī.1929/1348.

Narāqī, Mahdī ibn Abīẕar. *Jāmiʿ al-Saʿādāt*. Beirut: Aʿlamī. s.d.

Qumī, ʿAlī ibn Ibrāhīm. *Tafsīr al-Qumī*. Qum: Dār Kitāb. 1985/1363.

Qurān-i Karīm. translated by Muḥammad Mahdī Fūlādvand. Tehran: Daftar Muṭāliʿāt Tārīkh va Maʿārif-i Islāmī.

Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. *al-Mufradāt Alfāẓ Qurān*. Beirut: Dār al-Qalam. 1992/1412.

Ṣābūnī, Muḥammad ʿAlī. *Ṣafa al-Tafāsīr*. Beirut: Dār al-Fikr. 2000/1421.

Ṣāḥib ibn ʿAbād. Ismāʿīl ibn ʿAbād. *Al-Muḥīṭ fī al-Lugha*. Beirut: ʿĀlim al-Lugha. 1993/1414.

Ṣāḥib Jawāhir. Muḥammad Ḥasan ibn Bāqir. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharāʾiʿal-Isl ām*. Beirut: Dār Ihyāʾal-Turāth al-ʿArabī, 1984/1362.

Ṭabarsī. Faḍl ibn Ḥasan. *Majmaʿ al-Bayān fī Tafsīr al-Qurān*. Tehran: Nāṣir Khusrū. 1994/1372.

Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusayn. *al-Mīzān fī Tafsīr al-Qurān.* Beirut: Aʿlamī. 1970/1390.

Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn ibn Muḥammad. *Majmaʿ al-Baḥrayn*. Tehran: Murtażavī. 1997/1375.